

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران*

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز دوشنبه نهم تیرماه ۱۳۵۹

فهرست مندرجات

- ۱- اعلام رسمیت جلسه و صورت اسامی غائبین جلسه قبل و بیانات آقای صلواتی راجع به جشن سوادآموزی.
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان حججی ، رضا اصفهانی ، محمد علی رجائی.
- ۳- طرح و تصویب گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبار نامه آقای نغزالدین حجازی.
- ۴- طرح و رد گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبار نامه آقای حسینجانی.

جلسه ساعت نه و بیست و پنج دقیقه به ریاست آقای دکتر پدالله سجایی تشکیل شد

۱- اعلام رسمیت جلسه و صورت اسامی غائبین جلسه قبل و بیانات آقای صلواتی راجع به جشن سوادآموزی

رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم . جلسه رسمی است . دستور جلسه امروزه اول قرائت صورت غائبین جلسه دیروز است و بعد تذکری از طرف آقای صلواتی درباره مجلسی که قبلاً کرده بودند داده خواهد شد . بعد هم سه نفر از آقایانیکه در جلسه دیروز تقاضای صحبت کرده بودند بترتیب صحبت خواهند کرد آنوقت وارد بحث معمولی مجلس که گزارش از کمیسیون تحقیق است می شویم ، خواهش می کنم صورت غائبین جلسه قبل را قرائت بفرمائید .
(شرح زیر قرائت شد)

صورت غائبین جلسه روز یکشنبه ۱۳۵۹/۴/۸ آقایان: حسن فریدون روحانی - عبدالکریم شرفی - حسین هاشمیان - ایرج صفاتی دزفولی - عبدالرضا اسدی نیلی - خسرو صولت قشقائی - غواد کریمی - سید ابوالفضل رضوی اردکانی - محمد جواد حججی کرمانی - اسمعیل فردوسی پور - علی حقیقت افشار - محمد هادی برومند - هراج خاچاطوریان - قهرمان رحمانی - بهرام تاج گردون - محمد حسین صادقی - محمد خلیلی - احمد ملازاده - عباس حیدری - سید محمد کاظم دانش - علی اکبر دلفان - هادی غفاری - مصطفی چمران - احمد بوشتی - قاسم صادقی - علی اکبر ناطق نوری - عبدالحمید آقا رحیمی - هرای خلطیان - محمد تقی مطهری فریمانی - سید ابوالحسن حسینی - غلامعلی شهرکی - محمد جواد باهنر - جعفر توکلی - مهتاب حسینی - احمد غضنفر پور - مجید انصاری - علی معرفی زاده - عباس ابوسعدی منوچهری - محمد جواد شرافت - سید حسین پور میر غفاری - سید حسن شاه چراغی - علی محمد بشارتی جهرمی .

بعضی از نمایندگان - آقا دیروز ما اینجا بودیم .

رئیس - لطفاً اسامی تان را مرقوم بفرمائید و بدهید از صورت اسامی غائبین کسر میشود . آقای صلواتی بفرمائید .

صلواتی - بسم الله الرحمن الرحيم . السلام علیکم ورحمة الله و برکاته . مطلبی را که بنده چند روز قبل در خصوص سوادآموزی به عرض نمایندگان محترم مردم رسالیدم این بود که دو روستا در خراسان و دو روستا در اصفهان بطور آرتایشی قرار است تا پایان ماه مبارک رمضان ان شاء الله بی سوادایش تمام بشود و تا در آن دو روستا جشن سوادآموزی بگیریم ، متأسفانه از این مطلب سخن برداشت بدلی شده بود بخصوص در بعضی از روزنامه ها که نوشته بودند در چندین استان ما میخواهیم جشن بگیریم ان شاء الله این جشن هارابه کمک شماها و به یاری خداوند بزرگ خواهیم گرفت ولی این جشن که عرض کردم

فقط در دو روستای خراسان و دو روستای اصفهان خواهد بود با عرض معذرت .

۲- بیانات قبل از دستور آقایان حججی ، رضا اصفهانی ، محمد علی رجائی . رئیس - سه نفر از آقایانی که قبل از دستور صحبت می کنند آقای سید سجاد حججی ، آقای رضا اصفهانی و آقای محمد علی رجائی هستند . آقای حججی بفرمائید .

حججی - بسم الله الرحمن الرحيم . ولنبطلکم بشیخی من الخوف والجوع ونقص من الاموال والالفسن والظلمات و بشر الصابرين .

با کمال تأسف ، بازار رحمت توأم با تگرگه یا قهر طبیعت شهرستان میانه و چند آبادی هم جوار آن را به بلا و نصیبت کشاید که در نتیجه صدخالواد یابد ساختمان را ویران و به بازار و اکثر منازل سیل داخل و در حدود نهر در میانه و اطراف کشته شدند و یا بنا به روایتی شهید شدند . و اکثر مصیبت زدگان از مستضعفین و بیچارگان می باشند ، بطوری که مزارع شهرستان میانه و آبادی های هم جوار آن اکثراً از زمین رفته و بنده روز جمعه قبل از ظهر به متعلق سیل زده ها رفتم . البته بنده عنوان دلجوئی و تفقد از آن هائیکه واقفاً در فلاکت و بدبختی بودند ، و برای اینکه اطلاعات بیشتری پیدا کنم تا ساعت دو بعد از ظهر با آن ها بودم . گویانکه از تبریز شیر و خورشید چادر و وسایل و پتو و لوازم دیگر آورده بودند ولی با این حال کار آن ها به سامان نمی رسد ، از مسئولین امور اولیای امور ذرخوانست و تقاضا دارم و داریم که هر چه زودتر برای جبران خسارت سیل زدگان شهرستان میانه و اطراف ، اگر مصلحت باشد هیأتی هم برای دلجوئی و هم رسیدگی کامل به منطقه اعزام دارند . آن هائی که با هزاران زحمت و مشقت تلاش کرده اند تا محصولی بدست آورند ، مخصوصاً شهرستان میانه و اطرافش اکثراً صیفی کاری وستان است و تا اندازه ای محصولش هم به دست می آید ولی متأسفانه حالا مصلحت الهی این بوده است ، اکثر آن ها در فرمانداری و در مساجد جمع بودند و بنده قول دادم که ان شاء الله درد و گرفتاری شما را در مرکز به مسئولین امر می رسانم و این چند دقیقه ای که فرصت داده شد که بنده یک مقدار درد دلی بکنم و درد اهالی را به حضور رئیس مجلس و نمایندگان محترم برسانم متشکرم و تقاضا دارم که هر چه زودتر اول آن هائی را که ساختمانشان از زمین رفته است و در چادر زندگی می کنند . حتی یک نفر که الان اسمش لازم نیست که بگویم نه تنها ساختمانش از زمین رفته بود بلکه زن و بچه اش را هم از دست داده بود . واقفاً شهرستان میانه را یک مصیبتی فرا گرفته بود . در وهله اول تقاضای بنده این است که هر چه زودتر برای جبران خسارت همگان مخصوصاً تأمین مسکن آن ها که عرض کردم اکثراً مستضعف و بیچاره هستند اقدام بشود . و بطوری نباشد

* در جلسه علنی شماره بیست و یکم (۱۳۵۹/۴/۳۱) با تصویب ماده واحده ای نام «مجلس شورای ملی» به «مجلس شورای اسلامی» تغییر یافت .

و آن سناطی البته لازم و ضروری است و حتی من معتقدم در همان صحنه‌های جنگ شرکت کردن برادرها لازم است ولی در این شرایطی که ما هر روز باید کلی انتظار بکشیم که آقایان نمایندگان تشریف بیاورند جلسه بعد نصاب برسد معتقدم ترتیبی داده بشود که اگر قرار است کسانی به آن جا بروند به این وضع لطمه‌ای وارد نکند یعنی طوری نشود که ۲ نفر، ۳ نفر، ۴ نفر که اسم نوشتند و گفتند ماشین‌ها هم حاضر است بروند، بعد فردا دوباره بنشینیم و منتظر تکمیل جمعیت بشویم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

رئیس - آقای رجائی بفرمائید.
رجائی - بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن تأیید پیشنهاد برادرمان آقای حججی می‌خواهم درباره نحوه شروع کار مجلس مطلبی را عرض کنم که مربوط است به کیفیت کارمان در آینده در مجلس، تاجائی که من تحقیق کرده‌ام به غیر از یکی از همکارانمان، هیچکدام از ما تاکنون نماینده مجلس نبوده‌ایم و همه ما در مسائل مجلس تازه کار هستیم شاید مطالعه خارجی داریم ولی بطور عملی هیچوقت شرکت نداشته‌ایم.

یکی از نمایندگان اسم ایشان را بفرمائید.
رجائی - یک نفر هست که بعداً خصوصی عرض می‌کنم. عرض کنم در مجلس کمیسیون‌هایی هست، البته به طوری که می‌گویند کمیسیون‌های فرعی مجلس است، اما ما به علت اینکه سابقه نداریم و اطلاعاتی هم از آن کمیسیون‌ها نداریم اگر بعد از یک ماه دیگر مجلس کارش را شروع کرد و ما وارد یک کمیسیون شدیم تازه بعد از یک ماه از نظر شکل‌گیری آن کمیسیون‌ها هیچ لزومی ندارد که مجلس رسمیت پیدا کند و شورای نگهبان بیاید و ما آن کار را شروع کنیم. همین الان هم مجلس می‌تواند آن کمیسیون‌ها را معرفی کند و ما هر کدام بنا بر ذوق و اطلاعاتی که نسبت به آن کمیسیون‌ها داریم، به آن کمیسیون‌ها برویم. حالا یا مستقیماً ثبت نام کنیم و اسم بنویسیم و یا اینکه شخصاً اطلاع پیدا کنیم و آماده بشویم چونکه برای شرکت در این کمیسیون‌ها لازم است داشتن اطلاعات است و این اطلاعات را باید رفت در وزارتخانه‌ها و پرونده‌ها را دید تا اینکه به نتیجه برسیم. شاید بعضی‌ها تا آنجائیکه البته من اطلاع دارم نزدیک به پنجاه نفر از دوستان فرهنگی هستند شاید این گروه فکر کرده‌اند که مثلاً ما در کمیسیون فرهنگ شرکت می‌کنیم و این هم طبیعی است که کمیسیون فرهنگ پنجاه نفر را می‌تواند جذب کند ضمن اینکه در سایر کمیسیون‌ها هم نیاز هست، من خواهش می‌کنم این است که هیأت رئیسه مجلس آن کمیسیون‌ها را معرفی کند و همکاران هم در آن کمیسیون‌ها ثبت نام بکنند و مطالعات مقدماتی را برای آماده شدن شرکت در آن کمیسیون‌ها انجام بدهند. عرضی ندارم.

رئیس - آقای رجائی در همین جا من به شما عرض کنم که تا آئین‌نامه تصویب نشود کمیسیون‌ها تثبیت نمی‌شوند حالا که آئین‌نامه را بتدریج به اطلاع آقایان می‌رساند خواهش می‌کنم خودتان این قسمت را مطالعه بفرمائید بایستی اول آئین‌نامه معین بشود و کمیسیون‌ها هم تثبیت بشود، و در حدود ۲۰ کمیسیون است و ما نمی‌دانیم که مجلس قطعاً این‌ها را تأیید می‌کند یا نه؟ فعلاً همان اندازه که بشما اطلاع داده میشود آن را مطالعه می‌فرمائید و وقتی که آئین‌نامه مطرح میشود این مسائل را هم مطرح بفرمائید.

رجائی - تشکر می‌کنم. خوب بهمین دلیل پیداست که ما واقعاً در این موارد ناشی هستیم ولیکن آنچه مسلم است این است که مثلاً کمیسیون امور خارجه این دیگر چیزی نیست که در آینده شکل جدیدی به خودش بگیرد قدر مسلم این است که تعداد وزارتخانه‌هایی که الان وجود دارد کمیسیون هم وجود خواهد داشت چون لوازمی که به مجلس پیشنهاد میشود این لوازم در کمیسیون مربوطه بررسی میشود بنابراین اگر تفسیری داده بشود در این رابطه است که ما در آینده خواهیم وزارتخانه جدیدی داشته باشیم که به خاطر آن وزارتخانه هم یک کمیسیون جدید داشته باشیم. والا همانطور که خواندید و دیدیم کمیسیون‌ها در حد وجود وزارتخانه‌ها تقریباً به آئین‌نامه ارتباط ندارد.

۳ - طرح و تصویب گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبار نامه آقای فخرالدین حجازی

رئیس - آقای دکتر یزدی خواهش می‌کنم تشریف بیاورید و گزارش کمیسیون تحقیق را قرائت بفرمائید.

دکتر یزدی (مخبر کمیسیون تحقیق) - بسم الله الرحمن الرحيم و به نستین،

که آن‌ها بیایند به تهران و داد و فریاد راه بیندازند و در تبریز هم به همین صورت. مخصوصاً در این شرایطی که ضد انقلابیون چنین چیزی را میخواهند. با کمال معذرت بنده به محله‌های متعددی که سیل زده بودند رفتم و دیدم که در حدود ده پانزده نفر از دست چپی‌ها دارند کمک می‌کنند. البته خودنمایی نباشد من دیدم بهترین راه هم همین است عبا را گذاشتم زمین و با کلنگ و بیل شروع کردم با آن‌ها همکاری کردن. حالا بعضی‌ها طوری گفتند و بعضی‌ها هم طوری تفسیر کردند و دیدم که از آن موقعیت هم به نفع خودشان بهره‌برداری می‌کنند. تقاضای دیگر این است، برای این که زارعین و کشاورزان در شرایط بدی قرار بگیرند به وضع آن‌ها هر چه زودتر رسیدگی بشود زیرا وقت بیشتر از این نداشتیم که توضیحات بیشتری در این مورد بدهم امیدوارم، ان شاء الله به درد آن‌ها برسد و بنده هم حاضریم که هرگاه هیأتی عازم میانه شوند در حضورشان باشم و تقاضای که غیر از این مطلب داشتیم این است که اگر مصلحت باشد قبل از انعقاد جلسه ده دقیقه تلاوت قرآن مجید بشود و یکی اینکه از مهدی موعود که واقعاً این انقلاب بوسیله آفریدگار و دعای حضرت ولی عصر صورت گرفت بهتر است نامی از ایشان هم که ما در تمام شهر و شهرستان‌ها مهدی‌زاد می‌گفتیم ان شاء الله مهدی‌زاد ما فراموش نشود والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

رئیس - آقای رضا اصفهانی بفرمائید.
رضا اصفهانی - بسم الله الرحمن الرحيم. من متأسفم که یک مطلب را چند بار باید عرض کنم و بارها و بارها مسؤولین امر این مطلب را گفته‌اند و آن این است که با توجه به این موقعیت حساس که می‌بینیم و با توجه به ضرورت هر چه بیشتر برای تشکیل جلسات شورا همین امروز هم بیست و پنج دقیقه طول کشید تا اکثریت آمدند اگر واقعاً ما این مسأله را در نظر بگیریم که هر یک ساعت از وقتی که در این جا به هدر میرود حداقل ۳۰ میلیون، وقت و ساعت به همین میزان تلف میشود و مصلحت به هدر میرود شاید یک مقدار به خود بیاییم. درست همان ساعتی که قرار است جلسه تشکیل بشود یعنی درست ساعت نه همه مثل صف سربازخانه. نوعاً برادرها و خواهرها را من می‌بینم که در مجلس هستند ولی یا در اتاق‌های بالا هستند و یاد رها هستند بنا بر این ما باید توجه کنیم که این نیم ساعت ها بیست دقیقه‌ها و گاهی می‌بینیم یک ساعت‌ها تلف نشود همین مقدار که تلف شد بس است. مسأله دیگر این است که دوسه شب پیش در روزنامه‌ها خواندید که در شورای انقلاب تصویب شد که محمولات دیپلمات‌ها را تفتیش نکنند من یک توضیحی خواستم از آقای هاشمی که ایشان فرمودند به این شکل بود که جز در مواقعی که بوسیله وزارت امور خارجه ظنین بشوند بازرسی کنند. حالا در چه مواردی میشود ظنین شد؟ بعضی وقت‌ها دیپلمات‌ها وضعی دارند که شاید رفتارشان ایجاد شک و ظن هم نکند. ولی فراموش نکنیم که ما همین جریان امریکا و مسائل دیگر را از راه همین دیپلمات‌ها داریم من می‌گویم چه مانعی دارد که اگر محمولاتی که هست طبق مقررات اسلامی اگر از دیگران تفتیش می‌کنند این‌ها را هم تفتیش کنند. تا ما بیاییم و بگوئیم جز در مواردی که ظنین باشند خوب خیلی موارد اسکان دارد به شکلی عادی باشد مثلاً به یک کارمند ساده بدهند و من و شما هم هیچ‌شکی نبریم و چه بسا اطلاعاتی یا وسایلی را خارج کنند البته وقتی گفته میشود محمولات تحت این نام می‌تواند در یک چمدان خیلی چیزها باشد باینجهت خواهش می‌کنم اگر میشود، فکری، و یا تجدید نظری بشود، اگر می‌گویند این برخلاف تمدن است بگذارید ما این تمدن را به این شکل نداشته باشیم.

رئیس - این مسائل را باید با دولت مطرح کنید.
اصفهانی - خوب ما الان مطرح کردیم ...
رئیس - ان شاء الله وقتی دولت معرفی شد این مسائل را با دولت مطرح کنید.

نمایندگان - صحبت بفرمائید جایش همین جاست.
اصفهانی - می‌گویند جای آن همین جاست اگر با دولت مطرح بشود این جا که جای تصمیم‌گیری است، این جا که نمایندگان مردم هستند، این جا اگر گفته نشود کجا باید گفته بشود؟

رئیس - بله به موقع همین جا گفته میشود.
اصفهانی - موقع آن همین الان است و تازه دیر هم شده و بنظر من دو روز هم دیر شده است زیرا من دیروز نوبت گرفته بودم مسأله دیگر رفتن به کردستان

خواهران و برادران سلام عليكم، قبل از آن که گزارش امروز را بخوانم باید این تذکر و توضیح را بدهم که آنچه که در این جا قرائت میشود متنی است که در کمیسیون تصویب می رسد بنابراین نه تنها کمیسیون تصویب نمی گیرد بلکه گزارشی را هم که باید به عرض خانم ها و آقایان برسد در خود کمیسیون روی آن بحث میشود و نظر داده میشود و تصویب میشود. گزارش کمیسیون تحقیق در مورد اعتبارنامه آقای حجازی نماینده تهران.

پرونده انتخابات حوزه تهران و اعتبارنامه آقای حجازی که به علت اعتراض و مخالفت آقای مهدی جعفری به کمیسیون تحقیق ارجاع شده بود در کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت آقای جعفری در کمیسیون حضور بهم رسانیده موارد اعتراض خود را مشروحاً بیان داشتند آقای حجازی توضیحاتی را بیان نمودند. کمیسیون تحقیق بعد از استماع توضیحات آقای جعفری و آقای حجازی اعتراضات را وارد ندانست و با توجه به زحمات و نظایر آن و رعایت اعتبارنامه ایشان را به اتفاق آراء تصویب نمود.

بانشکر - مخبر کمیسیون تحقیق
ستاد رئیس آقای جعفری بفرماید.
تذکره آقای جعفری - بسم الله الرحمن الرحيم، همان طور که مخبر کمیسیون تحقیق توضیح دادند بنده به کمیسیون تحقیق احترام شدم، و موارد اعتراض خود را بطور مشروح بیان کردم و از آن جا که این موارد اعتراض یک مسأله اصولی است و موارد شخصی چنانچه کمیسیون تحقیق آن ها را وارد ندانست. ممکن است با آبرو و حیثیت کسی بی جهت لطمه ای وارد بیاید. بنده در آن جا به کمیسیون تحقیق توضیح دادم که اگر چنانچه کمیسیون تحقیق بعد از شنیدن توضیحات بنده و دفاعات آقای حجازی این ها را وارد ندانست من به رای کمیسیون تحقیق تسلیم می شوم و بطریق عادی عرض می کنم که کردم الان از آن جا که کمیسیون تحقیق به اتفاق آراء اعتبارنامه آقای حجازی را تصویب کرده بنده هم به رای کمیسیون تحقیق تسلیم می شوم و اعتراضی ندارم.

رئیس - این بسته به نظر مجلس است که همین اندازه قناعت می فرمایند؟
(مهمه نمایندگان) (زنگ رئیس - سکوت نمایندگان)

رئیس - چون نحوه عمل مانند اعتبارنامه آقای دکتر زرگر است که دیروز مطرح شد و آقایان نسبت به اعتبارنامه آقای دکتر زرگر با قیام موافقت خودشان را اعلام کردند و کسانی هم که احیاناً مخالف بودند نشسته بودند. بر طبق همان روش این بار هم عکس العملی که آقایان کردند گویا باید همان طور عمل کرد (اکتوبر خواستند) تصویب شد (تکبیر نمایندگان) اعتبارنامه آقای حجازی از تهران تصویب شد. (تکبیر نمایندگان)

رئیس - چون نحوه عمل مانند اعتبارنامه آقای دکتر زرگر است که دیروز مطرح شد و آقایان نسبت به اعتبارنامه آقای دکتر زرگر با قیام موافقت خودشان را اعلام کردند و کسانی هم که احیاناً مخالف بودند نشسته بودند. بر طبق همان روش این بار هم عکس العملی که آقایان کردند گویا باید همان طور عمل کرد (اکتوبر خواستند) تصویب شد (تکبیر نمایندگان) اعتبارنامه آقای حجازی از تهران تصویب شد. (تکبیر نمایندگان)

رئیس - چون نحوه عمل مانند اعتبارنامه آقای دکتر زرگر است که دیروز مطرح شد و آقایان نسبت به اعتبارنامه آقای دکتر زرگر با قیام موافقت خودشان را اعلام کردند و کسانی هم که احیاناً مخالف بودند نشسته بودند. بر طبق همان روش این بار هم عکس العملی که آقایان کردند گویا باید همان طور عمل کرد (اکتوبر خواستند) تصویب شد (تکبیر نمایندگان) اعتبارنامه آقای حجازی از تهران تصویب شد. (تکبیر نمایندگان)

رئیس - چون نحوه عمل مانند اعتبارنامه آقای دکتر زرگر است که دیروز مطرح شد و آقایان نسبت به اعتبارنامه آقای دکتر زرگر با قیام موافقت خودشان را اعلام کردند و کسانی هم که احیاناً مخالف بودند نشسته بودند. بر طبق همان روش این بار هم عکس العملی که آقایان کردند گویا باید همان طور عمل کرد (اکتوبر خواستند) تصویب شد (تکبیر نمایندگان) اعتبارنامه آقای حجازی از تهران تصویب شد. (تکبیر نمایندگان)

عبدالکریمی - السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، بسم الله الرحمن الرحيم، ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها. بنده وقتی کلمه وارد مجلس شورای اسلامی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران میشود و تصویر مرحوم مدرس را مشاهده می کنم و خطوط در هم گره خورده ایشان را در تصویرشان می بینم [از خودم خجالت می کشم. در سوگندنامه ای که همه نمایندگان محترم مجلس ادا کردند و در مراسم تعلیفی هم که در این مکان مقدس و در ساحت مقدس مجلس برگزار شد موضوع نمایندگی مجلس بعنوان انالیت تلقی شده است که کاملاً با این آیه ارتباط کامل دارد، به اعتقاد من و بخصوص در حاکمیت جمهوری اسلامی نماینده باید اسوه حسنه باشد. این مقصدی است کوتاه، اما اطلاعات و توضیحاتی که در مورد انتخابات بندر انزلی و شخص آقای حسینجانی بعرض مقدس مجلس میرسد بطور خلاصه اینطور است. همانطوریکه در پرونده انتخاباتی ایشان منعکس است جناب آقای حسینجانی با ایجاد زمینه های رعب و وحشت در محیط بندر انزلی بطور زیادی توانست آراء انتخاباتی را بخودش اختصاص بدهد.

خلخالی - بفرمائید به ادعای مخالفین
رئیس - آقای خلخالی! خواهش میکنم سکوت بفرمائید اگر مخالف هستید بفرمائید تا برایتان نوبت گذاشته شود. آقای عبدالکریمی محبتان را ادامه بدهید.

عبدالکریمی - خود جناب آقای دکتر یزدی بعنوان دعوتی که در بندر انزلی از ایشان شده بود و الان اینجا حضور دارند. وقتی که دهکده ساحلی بندر انزلی طعمه حریق شد در آنجا بودند عنده ای از طرفداران آقای حسینجانی در مسجد قائمیه دور ایشان حلقه زدند و آن چنان بلوائی بپا کردند و ایشان بمن گفتند چقدر خوب بود که رقیب ایشان به مجلس راه پیدا میکرد. شما اگر به مساجد بندر انزلی مراجعه بفرمائید هم اکنون مساجد بندر انزلی از وجود ائمه جماعت روحانی که بتوانند اقامه نماز جماعت بکنند خالی است یعنی ایشان در زمان تصدی فرمانداریشان و بعد از آن آنچنان جوی در محیط بوجود آورد که یک روحانی جرأت نمیکرد در مساجد بندر انزلی اقامه نماز جماعت بکند.

نصراللهی - این توهین به روحانیت است.
رئیس - آقایان تحمل بفرمائید.

عبدالکریمی - تصویب اعتبارنامه آقای حسینجانی بعقیده من قابل تأمل است بدلیل آنکه کمیسیون تحقیق با اول اعتبارنامه ایشان را مردود دانست ولی بار دوم تأیید کرد و اختلاف آراء دو کاندیدای انتخاباتی یعنی ایشان و رقیبش تصور میکنم باندازه ۳۰۰ برگ رای بوده است از طرفی در پرونده انتخاباتی ایشان موجود است، وقتی که در فرمانداری حضور یافتند در مقابل آقای حضرت زاد که الان هم فرمانداری آنجا را بعهده دارند این جمله را گفتند که من شهر را با تش می کشم. سؤال میکنم آیا نماینده ای که در آینده بخواهد بعنوان اسوه حسنه تأمین کننده نیازمندیهای مشروع مردمان آن منطقه باشد با این نوع سوابق دارای صلاحیت هست؟ از طرفی الان شاهدهی در جلسه ما حضور دارد که اگر لازم باشد و مجلس صلاح بداند شهادت می دهند که در روز سوم درگذشت مرحوم آیت الله طالقانی رضوان الله علیه ایشان در دانشگاه گیلان سخنرانی داشتند و در آنجا مطالبی گفتند که من شرم می کنم در اینجا بیان بکنم و بنده به احترام ساحت مقدس مجلس آنها را تکرار نمیکنم ولی بدین شکل عرض می کنم اگر لازم باشد خود آن شاهد ادا بکند و بگوید.

صلاح الدین بیانی - ما که میخواهیم رای بدهیم باید بدانیم چیست؟
عبدالکریمی - اجازه بفرمائید شما رای ندهید مسأله ای هست.

رئیس - آقایان اجازه بدهید، من تذکری خدمتان عرض بکنم. ملاحظه بفرمائید اگر آقایان یک قدری متانت را حفظ بفرمایند و تحمل بفرمایند شخص مخالف مطالبش را بگوید. اول خوب دریافت بفرمائید بعد اگر نقصی داشت آنرا میتوانی توضیح بخواهید و تکمیلش بکنید. اما اگر در این وسط اینقدر متذکر بشوید و مرتب توضیح بخواهید نه ایشان توانائی خواهد داشت مطلب را خوب ادا بکند نه برای آقایان مطالب درست مکشوف میشود. برای اینکه آقدر مطالب باهم مخلوط میشود که اصل موضوع از بین خواهد رفت.
من از آقایان خواهش میکنم متانت خودتان را حفظ کنید و اگر مطلبی داشته باشید یادداشت کنید زیرا حق دارید توضیح بخواهید و باین طریق مطلب هم بهتر حل خواهد شد. ضمناً خود شخص که تحت اعتراض قرار گرفته است.

آنطوریکه باید و شاید آماده شود که از خودش دفاع کند. آنطور که یک همچو قضاوتی ایجاد میکند که رفتار بشود. خواهش میکنم که توجه بفرمائید.

عبدالکریمی - عرض کنم در سوگندنامه آمده بود که ما نمایندگان موظف هستیم بعنوان مسؤولیت خطیر نمایندگی از همه نهادهای انقلابی تا مرحله جان پاسداری بکنیم و میدانید یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب شورای انقلاب بوده است و اگر کسی در سخنرانیهای خویش شورای انقلاب را تضعیف بکند بقمیده من وفیه تأمل. وانگهی ایشان این مطلب را در سخنرانی بیان داشتند که از ساعت مقدس مجلس معذرت می‌خواهم که فلانی را می‌کشند و مجلس ترحیم برگزار می‌کنند و در این مجلس ترحیم سخنرانی می‌کنند و آنوقت ریاست مجلس خبرگان را بعهده میگیرند. این حرفها چه معنائی میتواند داشته باشد. به این ترتیب بنده از کلیه نمایندگان محترم مجلس تقاضا میکنم که بار دیگر دقت وتامل بکنند و خدا را در نظر داشته باشند و بخصوص از کمیسیون محترم تحقیق می‌خواهم که عجله نفرمایند و اگر مجلس یا کمیسیون تحقیق صلاح بداند افرادی را به منطقه اعزام دارند تا از توده مردم بیسند و حقایق را دریابند و این تقاضای من از کمیسیون تحقیق است و اصرار هم داشتم. پیش از این بنده مطلبی ندارم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

رئیس - متشکرم، آقای دکتر دیالمه بفرمائید.

دکتر دیالمه - بسم الله الرحمن الرحیم، الهی لاتکنی الی نفسی طرفه عین ابدآاولاً از همه آقایان نمایندگان محترم تقاضا دارم نکاتی که ذکر می‌کنم به این دلیل که در ذهنشان باقی بماند اگر لطف بفرمائید یادداشت بکنند. چون در گرفتن نتیجه جمع بندی مطالب مؤثر خواهد بود. مرحله بعدی هم این است که اگر این لطف را به بنده حقیر بفرمائید که بعضی از آقایان که قبلاً دارای بار و مسؤولیتی بوده‌اند از آن بار در موضع مجلس استفاده می‌کنند اجازه بفرمایند من صحبت‌هایم را بکنم. چون وقتی آقایان صحبت می‌کنند چون یک بار و موقعیتی در اجتماع داشته‌اند. حرف آنها میتواند نظریه بقیه را تغییر بدهد و چه بسا قبلاً هم جسته و گریخته این مسائل را دیدیم آنچه که از پرونده آقای حسینجانی بر میآید این است که محیط شدیداً نا امن و درحالت رعب و وحشت بوده است و در تماسی این جریانات خودایشان و گروهی که بایشان همراه بودند. دست داشتند بعنوان نمونه چندسوردی را در این زمینه که در پرونده ایشان در اینجا هست ذکر میکنم در ابتدا باید بگویم منطقه آقدر نا امن و درحالت وحشت و رعب بوده است که حتی رئیس دادسرای انقلاب هم جرأت نمیکند که حقیقت مطلب را ذکر بکنند و درستی که برای مجلس نوشته است ذکر کرده است که تنها باین نکته اشاره می‌کنم. البته قبلاً یک مقدار توضیح داده است که چون وقت نیست فقط این قسمت را می‌گویم. چرا مردم بندر انزلی و حومه که در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر هستند فقط پانزده هزار نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند آیا علتی جز نگرانی مردم چیز دیگری هست؟ این را رئیس دادسرای انقلاب می‌نویسد و در انتهایش می‌نویسد اسیداست دقت بیشتری بشود. و حتی برای ایشان هم مسأله در حالت و شرایطی قرار گرفته که جرأت اظهار دقیق مسأله را نمی‌کند. در جریاناتی که در آنجا اتفاق افتاده است مشابه آنچه آقای عبدالکریمی فرمودند در آتش سوزی دهکده در جریان صیادان و برنامه‌های آنها که مسلماً ایشان مطالبی در حوال و حوش آنها ذکر خواهند کرد. یکی دو نمونه در اینجا هست که بدیختانه دیدم کمیسیون تحقیق آن گزارش‌ها و شماره پرونده‌ها را از دادگستری نخواستند. در اینجا دادگستری شهرستان بندرانزلی اینطور نوشته است «عطف بشماره... باستحضار میرساند که ستاد انتخاباتی وزارت کشور طی تلگرافی شماره... درخواست هرگونه سابقه‌ای که آقای ابوالقاسم حسینجانی در این دادگستری موجود است نمود که طی شماره... پاسخ داده شد» ناسپرده دارای دو فقره پرونده با اتهام اهانت به مأمور دولت (که بعد توضیح خواهم داد که چه هست) در حین انجام وظیفه و تخریب عمدی میباشد که چون ارسال اصل پرونده از مرجع قضائی به غیر قضائی آنها در مرحله تحقیق ممنوع است لذا ستاد انتخاباتی خواسته شده چنانکه مدرکی خواسته تعیین و فتوکپی تهیه و ارسال گردد» که چون این شماره‌ها از دادگستری و شهربانی خواسته نشده در داخل پرونده نیست. مشابه این برنامه‌ها مثل آتش سوزی مثل برنامه‌هایی که الان هم ایشان گفتند و من تکرار نمیکنم و خود آقای یزدی هم در جریان آن مسجد بوده‌اند، افرادی را که بعنوان گروه ایشان در داخل مسجد جمع شده بودند و حتی بعد از صحبت ایشان احیاناً اعتراض کردند و

شلوغ کردند و برنامه را بهم ریختند و اینها مجموعه کارهای آنها بوده است. مرحله بعدی این است که میخواهم آن جو برای آقایان روشن بشود که چقدر این جو در حالت ناسنسی بوده است.

مرحله بعدی این است که ایشان بازبینه قبلی که تا قبل از انتخابات فرماندار منطقه بوده‌اند بعداً با فرماندار جدید درگیری‌هایی پیدا می‌کنند بطوریکه فرماندار در اینجا شکایتی رانوشته مطلب شکایتش را ذکر کرده است «در ساعت یازده و بیست دقیقه امروز پنجشنبه ۱۳۵۹/۲/۱۸ اینجناب اسدالله حضرت زاده فرماندار بندر انزلی در دفتر فرمانداری مشغول کار انتخابات بودم که آقای ابوالقاسم حسینجانی فرماندار قبلی و کاندایدای فعلی مجلس شورای ملی بعد از آنچه از طریق تلفن باینجناب اهانت کرده بود وارد دفتر کارم گردید و از همان آغاز با جملات توشرف نداری، تو مرد نیستی، این شهر را با آتش می‌کشم، نمیگذارم از این شهرتو سالم بیرون بروی و بدون جهت پشت سرهم با کلمات توهمین آمیز جلوکار سندان و دیگران باعث هتک حرمت و تهدید به قتل اینجناب شد و در عین حال برای خودش ثابت شد که ادعایش در مورد مخالفت اینجناب با خودش واهی بوده است. اینجناب از دادگاه انقلاب و مقامات مسؤول خواستار اقدام و پیگیری فوری این تهدید و اهانت نامبرده که از بدو ورود اینجناب به بندر انزلی جوانان شهر را علیه من شورانده است و با وجود مدارا و گذشت اینجناب هنوز از ابراز خصومت مخالفت دست برنداشته است میباشم» که البته مسلماً ایشان ذکر خواهند کرد بلی فرماندار همینطوری که نوشته‌اند بعضی از بازرشای وزارت کشور هم ذکر کرده‌اند این خصومت قبلی بوده است ولی آنچه که من میخواهم در رویش بایستم این است که با یک فرمانداری که الان در رأس کار قرار گرفته برخوردی این چنین نشان دهنده این است که ایشان قبل از اینکه انتخاباتشان تمام شود دارای یک قدرت خاصی در آن منطقه از نظر موضع گیری حتی در مقابل فرماندار بوده و این نشان دهنده یک موضع خاص و ایجاد شرایط خاص است که حالا نشان میدهم که بازرش وزارت کشور در گزارشش می‌نویسد در تحقیقات محلی افراد این مسأله را ذکر کرده‌اند که ایشان بدولت مرکزی معتقد نیست و بر علیه دولت مرکزی در منطقه کاری کند.

یکی از نمایندگان - این مطالب مربوط به کمیسیون تحقیق است که در کمیسیون بررسی شده است.

رئیس - آقای دیالمه مطلبتان را بفرمائید.

دیالمه - بعد از این جریان اهانت که ذکر کرده‌اند در اینجا نوشته‌اند. چه اختلالی فیمابین بوده است بازرش وزارت کشور نوشته است «بعد از اینکه با مردم صحبت شد طبق شواهدی که بدست آمد به نظر ایشان یعنی به نظر آقای حسینجانی فرماندار باید محلی باشد و در واقع تابعیت از دولت مرکزی در مسائل مختلف برایشان تقریباً ناگوار بنظر میرسد و ایشان معتقدند اکثر کارها باید در محل حل و فصل شود و اعتقادشان نسبت به دستگاه دولت مرکزی ضعیف به نظر میرسد و عده‌ای از هواداران نامبرده نیز از ایشان حرف شنوائی دارند و دست بکارهایی نسجیده میزنند و بعد شرح داده است که این کارهای نسجیده چیست و از جمله مسأله آتش سوزی و بودن برادرشان در جهاد سازندگی غیره و غیره و این مسائل را در آنجا ذکر کرده که در مسائل انتخابات هم دخالت کرده است.» و بعد مسلماً ایشان خواهند گفت بلی، فرماندار در مسأله انتخابات ما را معطل کرده بود که من این صحبت‌ها را کردم. این را توجه داشته باشید در آنجا مسأله مهم نیست که ایشان در مقابل فرماندار به چه شکل برخورد کرده‌اند مهم این است که اگر من موضع خاص و یک پشتوانه رعب و وحشت در آن شهر نداشته باشم قاعده در مقابل فرماندار اینطور نمیتوانم بگویم که شهر را با آتش می‌کشم. اگرچه مرا ناراحت هم کرده باشند و معلوم است این کار برای ایشان سابقه دارد. مرحله بعدی این است که گزارش‌های فراوانی در اینجا در مورد صندوقهای مختلف هست که بجاهانی برده نشده یا دیرتر صندوقها را تعطیل کرده‌اند یا رفته‌اند افرادی را از خانه‌هایشان برای رأی دادن آورده‌اند که اینها هیچکدامشان در اینجا جوابگوئی نشده است. حالا این مطالب را کمیسیون تحقیق میتواند بگوید. اما مطلبی که از همه مهمتر است اینست که با این جو فشار و وحشت و رعبی که در آنجا بوده است و اختلاف رأی ایشان که در حدود ۳۰۰ رأی بوده است موضوع یک مقداری قابل تأمل است. این پرونده به کمیسیون تحقیق ارجاع میشود. کمیسیون تحقیق در روز اول این



غضنفر پور - مسأله بصورت دیگری است .

هادی - اجازه بفرمائید این یک موضوع ، موضوع دیگر حرفی است که همه مردم میزنند و آن محیط رعب و وحشت بوده است . اگر امروز غنی بلوریان ، یک محیط رعب و وحشت در مهاباد ایجاد بکند و همه هم بالاتفاق یعنی صد در صد رأی بدهند و بیاید به مجلس این انتخابات صحیح نیست چون محیط رعب و وحشت است و همه مردم هم میگویند رعب و وحشت است من به عده ای گفتم شما هم میخواستید بروید رأی بدهید چرا در انتخابات شرکت نکردید گفت آقا وقتی که بیغازه دیگری را چون طرفدار رقیب است آتش میزنند من نمیخواهم بروم رأی بدهم و مغازه ام را آتش بزنند . بنا براین باید تحقیق بشود که آیا واقعاً چنین محیط رعب و وحشتی بوده یا نه و آیا چنین آتش سوزیهائی بوده یا نه و اگر چنین آتش سوزیهائی بوده و طرفداران ایشان و باسرا ایشان و ایشان از نظر آتش سوزیها دست داشته اند روی این موضوع هم باید تحقیق بشود . قسمتی از صحبتها را آقای دیالمه و آقای عبدالکریمی راجع به صورت جلسات کردند . یکی از مسائلی که هست شهربانی بندر انزلی ۱۲ قهر گزارشانی راجع به مسائل آنجا و کشتار و زد و خورد دارد . این دوازده قهر اینجوری آمده به کمیسیون تحقیق یعنی تاریخ و شماره برگ خبر این اینجوری آمده به کمیسیون تحقیق ، کمیسیون تحقیق نرفته این دوازده قهر را بپرسد و بخواهد از شهربانی ، آقا چه بسا در این مسائلی باشد که در رابطه با آقای حسینجانی مطرح می شود و من از آقای دکتر یزدی مخبر کمیسیون پرسیدم که ایشان فرمودند که خود آنهاست که این را فرستادند به کمیسیون تحقیق می بایست شکایتها را بگیرند . خوب ، باید مشخص بشود که مسئول گرفتن این گزارشات از شهربانی به کمیسیون تحقیق کی هست . خوب ، کمیسیون تحقیق هم نمیتواند هر پرونده ای که آمد دنبال پرونده برود . باید یک کسی مسئول باشد و ریاست محترم جلسه به کسی مسؤلیت بدهد که برود و این دوازده قهر شکایت را هم بیاورد . یک ادعائی دیگر که باز دادستان انقلاب اسلامی آنجا دارد این است . دادستان نامه ای برای کمیسیون تحقیق نوشته است . دادستان مینویسد چون می خواهم در پیشگاه پروردگار مسؤل نباشم آراه انتخابات مجلس شورای اسلامی بندر انزلی در حضور دو نفر از نمایندگان محترم مجلس و یک بازپرس دولت مجدداً شمرده شود . ادعا میشود که عده زیادی کمتر از ۱۶ سال رأی داده اند خوب این مسأله خیلی ساده را میشود تحقیق کرد ، صندوقها لاک و مهر است و الان هم هست من اگر الان ادعا بکنم که فلان نماینده مجلس سنش بیست سال است و نمیتواند به مجلس بیاید . خوب ، شناسنامه اش را ببینید بیست سالش هست یا نه . تحقیق در این امر خیلی راحت است . من پیشنهاد میکنم یک هیاتی بروند این آراه را دوباره بشمارند و ببینند سن رأی دهندگان تا چه حد است . چقدر کمتر از ۱۶ ساله هستند . البته در دوران انتخابات بازرسان وزارت کشور به این امر برخورد کرده اند و چند نفر گفته اند که آقا چرا کمتر از ۱۶ سال ثبت نام کردید ؟ در جواب گفتند معذرت میخواهم یکی دو نوبت اشتباه شده است دیگر نمیشود . این اشتباه بوده ولی باید تحقیق بشود آیا درصد آرائی که کمتر از ۱۶ سالی که به نفع ایشان در صندوق ریخته شده چقدر است ؟ و آیا چه تصمیمی در این باره باید گرفته شود . و همچنین دادستان انقلاب نوشته است آنان میگویند آراه مخدوش است از روی تعمرات تعدادی کمتر از ۱۶ سال رأی داده اند . من از برادر عزیزمان جناب آقای صباغیان و از آقای دکتر یزدی که از حوادث بندر انزلی کاملاً اطلاع داشتند زیرا ایشان وزیر کشور بودند و ایشان هم بعنوان نماینده امام بانجا رفته بودند خواهش میکنم هر چه میدانند آنرا بگویند و شهادت بدهند . من دیروز با آقای صباغیان صحبت کردم آقای صباغیان گفتند که آقای انصاری استاندار آنجا بیشتر مطلع هستند . از استاندار باید سؤال کرد مسأله کشتار است در یک شهری کشتار شده مدتی در کشور مسأله بوده است و این باید تحقیق بشود چه کسی مسؤل این کشتار بوده است .

غضنفر پور - در روزنامه انقلاب اسلامی مفصل نوشته شده .

دکتر دیالمه - نیست که روزنامه خیلی موجهی است و خیلی هم سندیت

دارد .

رئیس - آقای هادی بفرمائید .

هادی - من دیگر عرضی ندارم فقط خواهش میکنم که موضوع پرونده

آقای حسینجانی یک هفته یا ده روز به تأخیر بیفتد زیرا بهتر از این است که ما

پرونده را برد میکنند و رأی گیری می کنند و در رأی گیری هم این پرونده زد میشود آقایان هستند میتوانند این را بپرسند . باید پرسید چه میشود که پرونده ایشان به تناسبات مختلفی دوباره به کمیسیون برمیگردد و دوباره رأی گیری می شود و بعد که رأی گیری میشود این را دقت بفرمائید پرونده ای که مشکوک است پرونده ای که حتی رئیس دادرسی انقلابی هم نتوانسته است در مورد آن نظر قاطع بدهد بعزت رعب و وحشت در محیط که من در همین چند روزی که در شمال بودم تمامی افرادی که در آنجا بودند گریه می کردند از این مسأله و این که چقدر جو رعب و وحشت بوده این پرونده با چهار رأی موافق و با سه رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع در کمیسیون تحقیق تصویب شده و من به آقای دکتر یزدی ذکر کردم که شما در گزارشتان بگوئید با چه آرائی این پرونده تأیید شده است . چهار موافق سه مخالف و ده ممتنع یعنی حتی افراد در کمیسیون تحقیق نتوانسته اند در مورد این پرونده نظر بدهند و حداقل احتیاط بکار برده اند و گفته اند که رأی ممتنع بدهید . سه رأی مخالف دارد در مقابل چهار رأی موافق و قاعده جو کمیسیون تحقیق هم که باید در موردش صحبت بشود مشخص میشود که باز چهار موافق سه مخالف هم بر چه سبائی میتواند قرار بگیرد در عین حال این گزارشی است که خود ایشان هم دادند و من امروز خواستم که تعداد آراء موافق و مخالف را هم یادداشت بکنم که چهار رأی موافق در مقابل سه رأی مخالف و ده رأی ممتنع میباشد که برای یک چنین پرونده ای در این درجه شک و تردید و حالت رعب و وحشت نمیتواند چیزی قابل قبول باشد .

بشارتی - آتش سوزی و تخریب در چه سالی و به چه دلیل بوده است .

دیالمه - بحث را اگر بخواهید باید از روی پرونده بخوانیم . اگر دقت می دهید از روی پرونده بخوانم .

رئیس - آقای دیالمه وقتتان تمام شد .

رشیدیان - در مرحله اول پرونده ایشان در کمیسیون تحقیق با اکثریت آراه طبق همین مدارکی که آقای دیالمه گفتند رد شد . بعد بنده برای کارهای تحقیقی به مسافرت رفتم . وقتی که برگشتم پرونده تصویب شده بود اعتراض کردم نه بخاطر این که رد یا تصویب شده بود بلکه چرا دوباره راجع به آن چیزی که در کمیسیون رد شده بود دوباره تصمیم گرفتند . این اعتراض برای من مهم هست .

رئیس - بسیار خوب ، آقای هادی بفرمائید .

هادی - بسم الله الرحمن الرحیم . بنده آقای حسینجانی را اصلاً نمی شناسم و از وقایع و حوادث بندر انزلی هم هیچگونه خبری ندارم . این چیزی که مرا وادار کرد پیام اینجا و درباره پرونده آقای حسینجانی توضیحی بدهم این بود که در این ایام نیمه شعبان من در هشتر دعوت داشتم . سمیناری از انجمنهای اسلامی آن منطقه بود سمیناری از روحانیون بود . و بعد هم در روز ۱۰ شعبان سخنرانی بود . در بازگشت از هشتر یک توقف کوتاهی در بندر انزلی داشتم . آنچه که من در بندر انزلی دیدم التماسهایی که یک عده ای راجع به انتخابات آنجا بمن میکردند برای من این احساس مسؤلیت را ایجاد کرد که من پیام و یک توضیحاتی راجع به آنچه که شنیده ام بدهم و بعد از مجلس بخواهم راجع به پرونده ایشان توضیحات بیشتری بکنم . توجه دارید که مدتها قبل در بندر انزلی یک بنده ای از هیاتادان به شیلات عده زیادی شاید در حدود ۱۴ نفر گفتم شنیدم مردم آنجا نمی گفتند آقای حسینجانی که فرماندار آنجا بوده به بنیادها گفته است این شیلات و این هم شما هر کاری میخواهید بروید بکنید . این حرفها را که یک عده ای بود ولی قابل تحقیق است ، میشود بروند و روی این موضوع تحقیق بکنند . اگر واقعاً کسی بعنوان فرماندار و مسؤل شهر و مسؤل امنیت شهر از طرف دولت مرکزی است که آرام بکند ، خودش اینجور صحبت بکند و مردم را تحریک بکند این از اعتبار نامه هم خیلی بالاتر است . باید این موضوع را رفت و تحقیق کرد .

مجمد یزدی - اگر بجای اجازه بدهد من چون بعنوان یک قاضی در آن شهر بودم این مسأله را تأیید می کنم چون در تمام پرونده ها این مطلب منعکس بوده است .

رئیس - آقای یزدی سکوت بفرمائید .

هادی - آقای یزدی هم میفرمایند چون قاضی آن شهر بوده ام این مطلب را تأیید می کنم که آقای حسینجانی این را گفته و مزدم رفتند و چهارده نفر کشته شده است .



به پرونده‌های رسیدگی می‌شود باید نماینده مربوطه هم در جلسه کمیسیون بیاید و از خودش دفاع بکند و ما متأسفانه این کار را نکرده بودیم و این هم اولین بار نبود در مورد دیگری هم بود که ما گزارش را رد کردیم هیأت رئیسه به ما برگرداندند و گفتند غیر قانونی است و به ما تذکر دادند و ما متوجه شدیم و کار خودمان را اصلاح کردیم نماینده مربوطه را خواستیم و توضیحات آنها را شنیدیم و شهود آمدند. اما اینکه آقای دکتر دیالمه فرمودند رأی کمیسیون به آن صورت بوده بهیچوجه درست نیست من از منشی کمیسیون تحقیق خواستم که دقیقاً بمن بگوید اینکه آقای دکتر دیالمه فرمودند که چهار موافق، سه مخالف، ده مستمع بوده، بهیچوجه چنین چیزی نیست. هشت موافق، چهار مستمع و دو مخالف بوده.

دکتر دیالمه - آراء آن الان هست آراء را من از اداره قوانین گرفتم الان آقای قیصر آرائی را که شما به خط خودتان نوشتید اینجا می‌آورند (زنگ رئیس) شما حمل به دروغ تلقی نکنید الان اداره قوانین آن لیست را می‌آورد که آقای دکتر یزدی به خط خودشان نوشته‌اند و گزارش داده‌اند به کمیسیون.

دکتر یزدی - خود هیأت رئیسه که باید بیشتر نظم را رعایت بکنند عرض کنم که کمیسیون تحقیق منشی دارد، صورت جلسه دارد.

دکتر دیالمه - من متن صورت جلسه را می‌خوانم سپس پرونده مربوط به بندر انزلی.

یکی از نمایندگان - آقا شما حق ندارید صحبت کنید.

خلخالی - چرا آقای دیالمه بی اجازه صحبت میکنند نگذارید ایشان صحبت کنند.

رئیس - آقای دکتر یزدی، ادامه بدهید.

دکتر یزدی - رأی کمیسیون تحقیق در مورد اعتبار نامه آقای حسینجانی هشت موافق چهار مستمع و دو مخالف بوده است یا مخالف نداشته است عذر می‌خواهم اینکه برای من نوشتند اینطور است. عرض کنم توضیحات دیگری از ما خواستند که چرا در مورد بعضی از آقایان رسیدگی نکردید خیر، ما رسیدگی کردیم نه تمام آن چیزهاییکه در آنجا بود بلکه آن چیزی که در اختیار ما گذاشته شده بوده من استدعا میکنم برادرانی که میخواهند به یک سند اشاره بکنند از مجموعه سند آنچه را که در اثبات نظر خودشان هست استخراج نکنند و آنچه را که علیه خودشان هست بگذارند کنار، همین گزارشی را که یکی از برادران به آن اشاره کرد یعنی گزارش بازرسی ویژه وزارت کشور که رفته آنجا و آمده گفته که بلی چنین بنظر میرسد که آقای حسینجانی این خصوصیات را داشته باشند اما در صفحه پنج این گزارش در مورد ابطال سندوقتهائی که شماره آنها را در اینجا ذکر کرده میگوید «در این زمینه بررسی و تحقیقات لازم بعمل آمد و در بازدید مجددی که اینجانب به اتفاق اعضای انجمن نظارت مرکزی از چند صندوق فوق الذکر نمودیم خلافتی که دال بر مخدوش بودن رأی یا تقلب در امر انتخابات باشد مشاهده نشده است».

دکتر دیالمه - آقای دکتر یزدی بنده این قسمت را از روی پرونده نخواندم مطلبی که خواندم خلاف دولت مرکزی بود، آن قسمت را بیاورید.

دکتر یزدی - پس دو مسأله است ضمناً بر اساس صورتجلسه نهائی رسیدگی به شکایات مورخه ۹/۲/۲۰ انجمن نظارت مرکزی که فتوکپی آن ضمیمه این گزارش است انجمن نظارت مرکزی به شکایات شاکیان تک تک رسیدگی و اکثر آنان را وارد ندانسته است و به آنان پاسخ داده است بنا بر این دو مطلب در اینجا مطرح میشود یکی صلاحیت نماینده است و یکی صحت انتخابات است. با بررسی هائیکه ما راجع به صحت انتخابات کردیم در گزارشات جریان انتخابات چیزی که دال بر مخدوش بودن باشد اعضای محترم کمیسیون ندیدند. اما نسبت به صلاحیت نماینده و آن مطالبی که در مورد ایشان گفته میشد آقای حسینجانی در جلسه آمدند و توضیحاتی دادند که در مجموع آن توضیحاتی که داده شد روشن کرد ذهن کمیسیون را که قضیه بیشتر اختلافات شخصی میتواند باشد و این دلایلی که در مورد مخدوش بودن صلاحیت ایشان بیان شده بود بنظر اکثریت کمیسیون تحقیق وارد نبوده است. (رئیس - آقای دکتر یزدی این مطالب را قبلاً گفته بودید و تکرار لازم نیست)

ولایتی - آقای دکتر توضیح بدهید چرا دوبار رأی گیری کردید؟ (دکتر یزدی - تصور میکنم شما توجه نفرمودید که بنده عرض کردم با توضیحاتی که آقای حسینجانی دادند ما را از اشتباه بیرون آوردند).

تحقیق نکرده از کنار این مسأله بگذریم. البته صحبت های خیلی زیادی درباره سخنرانی ایشان در دانشگاه میکردند که یا قبلاً گفته شده یا دلیلی ندارم که بگویم. ولی مسائلی بوده و صحبت هائی بوده که شنیدنی بوده ولی مردم آنجا مسأله محیط رعب و وحشت و آتش سوزی را همه می‌گفتند و یک نکته دیگر را هم من بگویم با یکی از آقایانی که روز جمعه در قم مباحثه می‌کردیم و از دوستان مان هست و بسیار آدم نتدینی هم هست، تاپای ماشین که ما سوار می‌شدیم التماس میکرد و می‌گفت. بخدا قسم اگر این آقای حسینجانی نماینده اینجا بشوند (حالا البته ایشان خیال میکرد یک نماینده حق دارد یک شهری را در آن تصرفاتی بکند) اینجا میشود لنین گراد (خنده نمایندگان) و نگذارید که یک نماینده‌ای که اینجا را لنین گراد میکند وارد شهر یا وارد مجلس بشود این هم حرف آن دوست است که البته این هم باز نمی‌تواند یک دلیل باشد، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

یکی از نمایندگان - اجازه می‌فرمائید (زنگ رئیس) یک موضوع روشن نشد آقای دیالمه آتش سوزی و تخریب را (زنگ رئیس - شما مخالف هستید یا موافق) فرمودید که بین صحبت کسانیکه صحبت میکنند، کسی حرف نزند، حرفشان که تمام شد صحبت کردیم که جواب ندادند موضوعی که الان میخواهیم برایش رأی گیری بکنیم اینست که (همه نمایندگان) یکی از نمایندگان - آقای رجائی مطلبی دارند. (رجائی - آقای دکتر

سحابی من بعنوان مخالف میخواهم صحبت کنم). رئیس - دیگر چند نفر تقاضای صحبت بعنوان مخالف کرده‌اند؟ من در ابتدای شروع صحبت اعلام کردم که آقایان مخالفین چه کسانی هستند؟ سه نفر خودشان را معرفی کردند برای آن سه نفر وقت تعیین شد الان تعداد زیادی که از حدود وقت خارج خواهد شد تقاضای صحبت کرده‌اند.

قائمی اسیری - آقای رجائی وزیر آموزش و پرورش است بعنوان مقام مسؤول ایشان میتواند نظر بدهد. رئیس - آقای حسینجانی بیایند دفاع خودشان را بکنند اگر باز مطلبی مبهم ماند آقایان میتوانند صحبت بکنند (همه نمایندگان) من گفتم بگذارید دفاع خودشان را، مطلب خودشان بگویند بعداً اگر مطلبی داشتید بفرمائید. قائمی اسیری - آقای دکتر مطلب جدیدی هست، مطلب جدید دارند.

رئیس - مطلب جدید چه دارند؟ بفرمائید آقای رجائی. رجائی - بسم الله الرحمن الرحیم. همانطوریکه برادرمان آقای هادی نجف آبادی گفتند من هم آقای حسینجانی را هیچ نمی‌شناسم و از نزدیک هم در مسائل انتخابات بندر انزلی نبودم ولی اولاً فرماندار را که مطالبی در اینجا دارد مدت‌ها است می‌شناسم آقای حضرت زاد از همکاران نزدیک من و خود آقای دکتر سحابی بودند و حرف شان قابل اعتماد است. ثانیاً مسأله بسیار مهم بنظر من این است که رقیب آقای حسینجانی یکی از افراد بسیار بسیار شریف و برجسته وزارت آموزش و پرورش هستند که الان هم در دانشگاه مشهد مشغولند و سیصد رأی اختلاف بین این دو نفر با این همه بحث در مورد این پرونده (رئیس - آقای رجائی شما باید راجع به آقای حسینجانی صحبت کنید) بنظر من صد در صد می‌آرزود به اینکه این انتخابات باطل بشود و یک بار دیگر رأی گرفته بشود. (همه نمایندگان) (زنگ رئیس)

یکی از نمایندگان - این یک نظر شخصی است و مطلب جدیدی هم نبود.

رئیس - آقای حسینجانی تشریف بیاورید.

دکتر یزدی - آقای رئیس اجازه بدهید یک توضیح میخواهم بدهم.

رئیس - آقای مخبر کمیسیون میخواهند توضیح بدهند و توضیح ایشان مقدم است.

دکتر یزدی (مخبر کمیسیون) - بسم الله الرحمن الرحیم. بعضی از مطالب راجع به کمیسیون تحقیق گفته شد که بهیچوجه درست نیست دفعه اول که رسیدگی کردیم و تصمیمی در کمیسیون اتخاذ شد که من الان از منشیان کمیسیون خواستم که دقیقاً تعداد آراء دفعه اول را بمن بگویند که هنوز نداده‌اند. ما به این دلیل گزارشش را رد نکردیم چون بر خلاف آئین نامه رفتار کرده بودیم زیرا همانطوریکه برادر عزیزمان آقای رجائی فرمودند ما همه ناشی هستیم بعضی اوقات کارها را دوباره باید انجام بدهیم. طبق آئین نامه اگرچنانچه

رشیدیان - چرا در رأی گیری دوم صد و هشتاد درجه برگشت ؟

یکی از نمایندگان - چرا بار اول تحقیق نکردید ؟

دکتر یزدی - عرض کردم که ناشی بودیم (دکتر دیالمه - اشتباه نبوده در آئین نامه چنین تصریحی ندارد، مخالفت با دولت مرکزی را چرا نگذاشتید؟)
رئیس - آقای دکتر دیالمه اجازه بدهید دیگران هم حق دارند، صحبت نکنید. (همه نمایندگان - زنگ رئیس)

معاد یخواه - من یک سؤال دارم آیا آئین نامه اجازه میدهد این سؤال را حالا مطرح کنم ؟

رئیس - بنده خودم قبلاً گفته بودم اگر مطالبی دارید و توضیح میخواهید، الان آقای بشارت هم این سؤال را کرده اند این سؤالات را محفوظ بدارید و وقتی که خود ایشان دفاعش را کرد اگر سؤالات جواب داده شده باشد، اگر جواب داده نشد من آماده هستم توضیحات شما را از شخصی که میخواهید توضیح بدهد، مطالبه کنم، بفرمائید آقای حسینجانی جنابعالی یک ساعت فرصت دارید.

معاد یخواه - تذکر آئین نامه ای دارم یا خودشان صحبت کنند یا یک نفر از طرف ایشان.

رئیس - خودشان اگر خواستند یک نفر را از طرف خودشان انتخاب کنند ایشان یک ساعت می توانند صحبت کنند دیروز هم همین را تذکر دادم.

معاد یخواه - از نظر آئین نامه یا خودشان باید دفاع بکنند یا شخص دیگر به جای ایشان.

رئیس - حالا آئین نامه را میخوانیم، ملاحظه بفرمائید « نماینده مورد اعتراض حق دارد نماینده دیگری را برای دفاع معرفی نماید همچنین نماینده مورد اعتراض و مدافع او میتوانند به تمام اعتراضات در جلسه بعد جواب بدهند و دفاع نمایند (دکتر دیالمه - یا خودش یا نماینده اش) (همه نمایندگان) فعلاً که خود ایشان آماده دفاع هستند و یک ساعت میتوانند صحبت کنند. (دانش - مخالفین باید همه یک ربع ساعت صحبت کنند در صورتیکه شما به چند نفر از مخالفین اجازه ندادید که صحبت کنند) آقا بنده ابتدای جلسه گفتم آقایانیکه مخالف هستند خودشان را معرفی کنند در ابتدای جلسه سه نفر بودند بعد بتدریج چند نفر دیگر تقاضا کردند چون آن ردیف نوبت خیلی شده بود این افراد میمانند و چنانچه مطلبی برایشان گنگ باشد باید بعد از اینکه ایشان دفاع کردند توضیح بخواهند. تا جوابشان داده بشود.

دانش - در آئین نامه هست که فقط افرادی که اول اعلام مخالفت میکنند حق دارند صحبت کنند.

رئیس - نه این روال بر این قسمت بوده است باید اول معین بشود، آقای حسینجانی بفرمائید.

حسینجانی - بسم الله الرحمن الرحيم. مالکم کیف تحکمون افلا تذکرون ام لکم سلطان مبین فاتوا بکنا بکم ان کتم صادقین . باسلام خدمت برادران و خواهران عزیز مطالب فراوان و متنوعی اینجا مطرح شده که ان شاء الله بتوانم یک بررسی جامع بندی شده بطوریکه برادران و خواهران در جو حقیقی مسأله نه بجای بگذاریم قرار بگیرند و بتوانند رأی بدهند چرا که بقول امام حسین علیه السلام: « وقت ذون رایک فی الحیوة مجاهد ان الحیوة عقیده و جهاد یعنی رأی طوری بایست باشد که آدم بتواند پشت سر رأیش بایستد اولاً نوع مخالفتی که بیان می شود حاکی از سازمان یافتگی مخالفت است. می بینید کاملاً حساب شده بکنفر یک برادر، برادر عبدالکریمی از لنگرود یک برادر، برادر دیالمه از مشهد و برادری دیگر از تهران که هیچ ربطی بهمیدیکر از نظر آشنائی و اطلاع داشتن از موقعیت حاکم نمیتواند داشته باشد ابراز میشود و هم برادر دیالمه و هم برادر هادی ذکر میکنند که اتفاقاً عبوری به شمال رفته بودند و از هر دوی اینها التماس میشده و گریه که مثلاً از حق دفاع کنند و البته این هم اتفاقاً از ذهن برادر هادی پرید که آن کسانی که از ایشان التماس میکردند چقدر بازاری محتر بودند چرا ؟ چرا شما توجه نکردید ؟ برای اینکه گفتند رأی ندادیم برای اینکه همان طوریکه مغازه دیگران را آتش زدند یعنی چه ؟ یعنی این فرد هم مغازه دار است. (همه نمایندگان)

هادی - من نگفتم بازاری بوده (یکی از نمایندگان - مگر هر کس مغازه دار است محتر است)

رئیس - (زنگ رئیس) شما ادامه بدهید صحبت تان را آقایان خواهش میکنیم توجه بفرمائید، دفاع میکنند شما که میخواهید قضاوت بکنید باید دفاع

مدافع را بشنوید.

حسینجانی - آقای هادی صحبت شما ضبط شده به علاوه اگر قرار باشد که اینجوری جلسه متشنج بشود (رئیس - شما دیگر در این باره مطلب را تکرار نکنید) خوب اجازه بدهید من یک ساعت را باید درباره مسائل حرف بزنم. رئیس - مطلب تان را ادامه بدهید.

حسینجانی - قبل از اینکه به تک تک مسایل بپردازم لازم است یک مقداری خودم را معرفی بکنم بنده اصلاً اهل بندر انزلی هستم و در دوران انقلاب و در دوران انقلاب رشت بودم کلاً سابق و کارهایم برای مردم روشن است بعد از پیروزی انقلاب تقریباً در اسفندماه ۵۷ به عنوان فرمانداری بندر انزلی مشغول به کار شدم البته این را بگویم هیچ کار دولتی را تا آن وقت نپذیرفته بودم و میتوانم سؤال کنید و درست تا موقع انتخابات در آن کار باقی بودم و لابد برادران و خواهران میدانید که بخشداران، فرمانداران و استانداران در حوزه مأموریت خودشان نمی توانند کاندیدا بشوند و ناچار در آخرین فرصتی که باقی بود استعفا کردم یعنی در اول اسفند ۵۸ و این قصه ها و داستانهای را که بعضی از آقایان اینجا مطرح کردند این جریانات مربوط به زمان فرمانداری من بود و من در زمان سه نفر از آقایان وزراء که هر سه شان الان همین جا هستند یعنی برادر صدر حاج نسیب جوادی، برادر صباغیان و برادر هاشمی در کار بودند و بعنوان یک فرماندار جمهوری اسلامی خدمت میکردم، و این داستانها همانطوریکه در بسیاری از شهرها شاید سراغ داشته باشید در زمان انتخابات است که رو میکند. درباره قضیه شیلات و درگیری صیادان اینجا مطالبی گفته شد. شاید از طریق رسانه های گروهی شما در جریان درگیری انزلی باشید تقریباً مهر ماه ۵۸ بود که این درگیری آنجا بعمل آمد و شاید در جریان باشید که درست روز دوم درگیری بود که من علیه وزیر کشاورزی وقت دکتر یزدی و مدیر عامل شیلات مهندس رجالی اعلام جرم کردم که متأسفانه هنوز که هنوز است هیچ عملی و اقدامی درباره اش انجام نگرفته که هنوز هم روی جرم هستم و ثابت می کنم که عامل ریشه ای بوجود آمدن آن درگیری ناخواسته این آقایان غیر مسؤول بودند حالا هم حاضر نمیکامی بشود تا قضایا روشن بشود تقریباً بعد از چهل روز که دیدم عملی انجام نگرفت دوباره شکایت را تمدید کردم، دوباره یک نامه سرگشاده ای برای آقای قدوسی نوشتم اتفاقاً این را هم تذکر دادم و لابد این را شما در نظر دارید که بعد از اعلام جرم من شیلات ایران علیه من اعلام جرم کرد و من در نامه دومی که نوشتم که یا من راست میگویم یا آنها، قضایا را برای مردم روشن کنید این هم باز بعنوان تذکر بگویم که این من نیستم که مثلاً غایب شده باشم یا به گوشه ای رفته باشم طرف مقابل یعنی دکتر یزدی است که حالا در آمریکا است. بعد یکی دیگر از برادران گفتند که از آقای انصاری سؤال بشود من به این برادر میگویم که آقای انصاری آنوقت استاندار نبودند مثل اینکه یک مقدار توجه ندارید آقای داوران استاندار بودند یک مقدار از مسایلی را که آقای عبدالکریمی مطرح کردند که شاید تقریباً به نوعی دیگر در حرف های آقای دیالمه و آقای هادی و دیگران هم قبلاً بوده، این مسأله بود که آنجا محیط رعب و ارباب بوجود آمده یا اینکه عرض کنم آقای دیالمه گفتند که حاکم شرع نوشته چرا پانزده هزار نفر در مرحله دوم رأی دهنده داشته و از این قبیل چیزها. خوب در مرحله اول بندر انزلی فقط حدود بیست و شش هزار نفر رأی دهنده دارد که در پرونده منعکس است در حالیکه ده نفر کاندیدا از گروه های مختلف داشتیم یعنی فقط دو نفر منفرد بودند و بقیه از سازمانها و گروهها و احزاب مختلف بودند خوب، چطور شد که به مرحله اول انتخابات که بیست و شش هزار نفر رأی دهنده دارد اعتراض نمیشود دفعه دوم خیلی طبیعی است خیلی از سازمانها وقتی که کاندیدای خودشان را از دست دادند دیگر رأی نمی دهند. بعد یک قضیه دیگر که واقعاً قابل توجه است این است که البته من همین مسأله را به کمیسیون تحقیق هم گفته بودم شما در وهله دوم اعضای انجمن نظارت مرکزی بندر انزلی را جداً بروید تحقیق کنید انجمن هفت نفر هستند بروید از هفت نفر اینها (از خودشان) سؤال کنید پنج نفر طرفدار نفر دوم بود بروید سؤال کنید یا بخواهید اینجا، پرسید که به که رأی دادند ؟ بین هفت نفر، پنج نفر نفر به آن آقا رأی دادند دو نفر بمن رأی دادند و جالب توجه اینجا است که اینها هم صحت انتخابات را تأیید کردند، هم شکایت را بی اساس دانستند حال قضیه این است مسأله رفاقت و دوستی و همکاری و اینها نیست. به برادر

دارید که آنروز دیگر نایستی تبلیغات له یا علیه صورت بگیرد. ولی دیدم این تبلیغات علیه من را و اعلامیه‌هایی در مورد نفر دوم را دارند پخش می‌کنند من تلفن کردم به فرمانداری انزلی که جلو این کارها را بگیرد گفتند که ما در جریان نیستیم و وعده دادند که به شهربانی تلفن کنند ولی نیمساعت بعدش باؤ دیدم این کار ادامه دارد البته من عین اعلامیه را در کمیسیون تحقیق خوانده‌ام و دیگر اینجا نمی‌خوانم که اگر شما آنرا ببینید شما هم اگر بودید غیر از این نمی‌کردید. رفتم به فرمانداری گفتم اگر مسائل ایمانی-دینی - معنوی و قانونی را رعایت نمی‌کنید لااقل یک جو شرافت داشته باشید این را گفتم اگر شما آن اعلامیه را ببینید و اینکه موضوع را به مسائل خانوادگی کشانده بشود تا این اندازه شرف را زیر پا بگذارند فکر نمی‌کنم شما هم غیر از این کار را بکنید و حالا این ها چون می‌توانستند جلوشان را بگیرند ولی یک چیزی باز در آن اعلامیه بود که پرونده دزدی ها و سوء استفاده‌های این در فرمانداری است این را می‌توانست تکذیب کند. من نمیدانم شاید چیزهایی را که لازم بوده گفتم.

در مورد گفته آقای محمدیزدی که نوشته‌اند توضیح بیشتری بدهید این گفته ایشان خوب من فکر میکنم این روی مسموعاتشان باشد من هیچوقت با ایشان تا حالا مواجهه حضوری نداشته‌ام تا دلایل و چیزهایی را از من بخواهند و میدانید که قضاوت یکطرفه هم در اسلام نداریم.

محمد یزدی - این ها بعنوان مسموعات نبوده بلکه بنده در خدمت یکی از افاضل دیگر بعنوان سرپرستی هیأتی رفتم در آنجا برای رسیدگی به کلیه پرونده‌هایی که مربوط به بندر انزلی بوده در ارتباط با فرمان عفو امام در آنجا با هیأتی که بودیم پرونده‌هایی را که رسیدگی کردیم این مسأله‌ای را که من تأیید کردم در بسیاری از پرونده‌ها به چشم می‌خورد. پس مسموعات نبوده بلکه از نزدیک بوده.

حسینجانی - در اینکه یکطرفه بوده شکی نیست یعنی هیچوقت ننشسته‌اید و حرف می‌زنید و بعد اگر باصطلاح من در آن موضوع حق نداشتم آنقدر روی محاکمه اصرار نمی‌ورزیدم حتی در نامه دوم که سرگشاده هم بود و متأسفانه در اینجا ندارم که برایتان بخوانم این جوری برای آقای قدوسی نوشتم گفتم یا ایشان را دستگیر کنید و بازداشت کنید یا مرا تا برای مردم قضا یا روشن بشود. در مورد یک سری موضع گیریها و این چیزها که مخصوصاً آنجا زمینداران و سرمایه داران و کارخانه دارها و این ها با من داشتند در ازای کاری بوده که من کرده‌ام یعنی در ازای موضع گیری خودم بوده آنها هم موضع گیری کرده‌اند بعنوان مثال من در این مدت یکساله فکر میکنم حدود هزار قطعه زمین در رابطه با اسکان بی خانمانها توزیع کرده‌ام این زمین ها را هم که تازه شورای انقلاب تصویب کرده بعنوان اراضی اموات و عرض کنم در رابطه با سازمانها عمران اراضی و اینکه مالکیت این ها لغو بشود. معلوم است این ها موضع گیری می‌کنند یا فرض کنید من در خود فرمانداری ستادی بعنوان ستاد مبارزه با گرانفروشی دایر کرده بودم و تا به روز و روغن و چیزهای احتکار شده را گاهگاهی از انبار بیرون می‌آوردیم و به مردم می‌فروختیم. معلوم است که این ها موضع گیری می‌کنند بعد در کل مسائل این را میخواهم عرض کنم که هدف چیست؟ آیا هدف برقراری این روح تفاهم معنوی و حکومت عدل علی که علی: قتل فی المحراب لشدة عدالته میشود این نیست آقای دیالمه برادر عزیز چرا نتیجه رأی گیری شعبه ۳ را بعنوان تعداد آرای کمیسیون تحقیق اعلام می‌کنند؟ و بعد یک چنین سؤالهایی را که برادرها داشتند که چرا کمیسیون تحقیق دوباره رأی داده است؟ (دیالمه - مطلب این طور نیست آقای) علتش این بوده بعد از از اینکه این ها اعلام رأی می‌کنند بر طبق آن چیزهایی است که توی پرونده هست که من مدارکی را به کمیسیون تحقیق نشان دادم که بسیاری از نامه‌ها و مطالبی را که من نوشته‌ام خطاب به انجمن مرکزی، خطاب به بازرس وزارت کشور و خطاب به خود فرمانداری توی آن پرونده نیست هرچه که علیه من بوده آنجا جمع آوری شده نامه نوشته‌ام که آقا بگذارید منم بیایم حرفم را بزنم چرا فقط بر اساس یک مقدار کاغذ شما دارید قضاوت میکنید و بعد خود هیأت رئیسه هم به کمیسیون تحقیق تذکر داده بوده که کسانی را که شما میخواهید برایشان رأی بدهید خودشان را دعوت بکنید که بیایند توضیح بدهند (دیالمه اینطور نیست)

رئیس - آقا بگذارید حرفش را بزند.

عبدالکریمی من مخصوصاً عرض میکنم عزیز من شما تا یکساعت قبل سرانمی‌شناختی من میدانم که نفر دوم همکار، دوست و رفیق صمیمی شما است شما توی یک دانشکده با هم هستید ولی این باعث نمی‌شود که آدم حق را بپوشاند و بعد این است که بعضی از برادران گفتند تفاوت بین رأی من و ایشان سیصد تا است اتفاقاً در مرحله اول بین ده نفر کاندیدا بنده نفر اول بودم و تفاوت رأی من با نفر دوم حدود هفتصد رأی بود و در وهله دوم هم اختلاف رأی حدود ششصد رأی بود یعنی چه، یعنی تقریباً فرق نکرده و تقریباً جو مثل اینکه همان جو است، حدود ششصد تا تقریباً فرق کرده حالا چرا در پرونده است که سیصد تا، علت آن این است که هیأت اجرائی یکی از صندوق ها را به ناحق باطل کرده است، پرونده را نگاه بکنید و ببینید از نظر قانونی آیا این حق را دارند ببینند قضیه چیست؟! آمده‌اند یک صندوقی را که ساعت ۸ بعد از ظهر باز کرده‌اند شمارش کرده‌اند در حین شمارش عده‌ای آمده‌اند برای رأی دادن، بعد بین آن عده که جوابشان کرده‌اند بکنفرشان را که اصرار بیشتری کرده یا اینکه دلشان سوخته من که نبودم و نمیدانم ولی از سه نفر دیگر بعد از باز کردن صندوق رأی گیری کرده‌اند این تخلف است و در این شکی نیست این قلب نیست دلیلی که این صندوق را باطل کرده‌اند این بوده چرا بعد از باز کردن صندوق سه نفر رأی داده‌اند؟ در صورتی که آقایان وزراء کشور توی همین جلسه هستند که اگر بعد از باز کردن صندوق سه نفر رأی بدهند این از نظر مقررات چیست؟ بایستی سه تا از رأی ها باطل بشود من خودم هم مسؤول انتخابات بوده‌ام در پنج نقطه نه اینکه باطل بشود پس می‌بینید که از طرف هیأت اجرائی تعمدی در کار است بعد برادر رجائی شما که سیانید تأییدی کنید شخص بخصوصی را یا نفر دوم را من مگر تکذیبشان کردم و بعد آیا خوبی او دلیل بدی من میشود که انتخابات باطل بشود شما که سرا نمی‌شناسید آیا این دلیل موجه است که من نفر دوم را می‌شناسم آدم خوبی است. بله من حرفی ندارم نفر دوم را من هم به ایمان و خوبیهایشان اعتقاد دارم هیچ مسأله‌ای نیست ولی مسأله چه ربطی با اینجا دارد؟ بعد در مورد اینکه آقای هادی گفتند که یکی از آقایان روحانیون ایشان گفته که اگر فلانی در مجلس بماند انزلی را لنینگراد می‌کند یادتان نیست سال گذشته این وقت ها من اولین کسی بودم که از دیدگاه آقایان مترقی اولین طرح ارتجاعی را دادم. مگر مسأله جداسازی دریا که زن و مرد قاطی هم نباشند اولین بار در سطح ایران بوسیله من مطرح نشد این معنی لنینگراد است. اقلاً من میگویم اگر حرفی در موافقت یا مخالفت بخواهد زده بشود خوب این حرف باید با تأمل و ایمان زده بشود. در همان زمانی که من فرمانداری انزلی را بعهده داشتم بارها و بارها آقایانی که خیلی از فکرهای مرا قبول نداشتند آنها را که نمیدانم اسمشان را چی بگذاریم. راه پیمائی‌ها علیه من و یک سری از این کارهای من کردند که اگر من میخواستم آنجا را لنینگراد کنم اقلاً این ها نمی‌بایستی علیه من راه پیمائی میکردند بعد در مورد مساجد و مسأله موضع گیری در مقابل روحانیت و این چیزها گفتند. این را هم بشدت تکذیب میکنم یعنی من فکر میکنم آقایان روحانیونی که در منطقه هستند میتوانند این را شهادت بدهند و در همین مجلس هستند مثلاً آقایان لاهوتی فومنی یا برادر یوسفی که چه در زمان فرمانداری چه پیش از انقلاب من مخصوصاً این سه برادر را که روحانی هستند و در رابطه با ایشان کارهایی هم کرده‌ایم که جنبه تبلیغاتی داشت چه قبل از انتخابات و چه بعد از آن، بعنوان شاهد معرفی میکنم یک برادری در مورد اتهامات مطروحه در دادگستری و نامه‌های شکوائیه در شهربانی و این قبیل چیزها گفتند من این قضیه را هم برای کمیسیون تحقیق روشن کرده بودم ببینید درست نیست و چهار ساعت قبل از انتخابات (قره باغ - در مورد مساجد و علماء توضیح بیشتری را بدهید) (زنگ رئیس) عرض کنم خدمت شما این را بگویم اعتقاد من در مورد مساجد این است که از مسجد باید بعنوان قلب هر محل استفاده بشود یعنی باید مردم بیایند و شارژ بشوند و دوباره بروند بیرون همان جوریکه در مواقع اوج انقلاب ما از آن استفاده میکردیم همانطوریکه در زمان پیغمبر از مساجد استفاده میشد. این را داشتم عرض میکردم که بیست و چهار ساعت قبل از شروع انتخابات علیه من باصطلاح یک سری افشاگریهایی بقول خودشان میشود یعنی مسائل مختلفی را از قبیل همین درگیری انزلی، سوء استفاده در فرمانداری و حتی تاساواکی بودن و حرف را به مسائل خانوادگی کشاندن پخش می‌کنند. پنجشنبه حدود ۹ صبح بود که من دیدم همین اوراق را البته آقایان توجه

ناطق نوری - آقای خلخالی حق ندارند صحبت کنند آئین نامه نوشته است یا خود شخص یا یک نفر دیگر میتواند دفاع کند.
کیاوش - آقای خلخالی شما حق ندارید.
معادپخواه - عین آئین نامه را بخوانید.

رئیس - دیروز هم مطرح شد که یک نفر حق دفاع دارد حالا باز شما این را مطرح می کنید.

ناطق نوری - شما آئین نامه را مطالعه کنید یا خود ایشان میتوانند صحبت کنند یا کس دیگری از طرف شخص که مورد اعتراض واقع شده است.
معادپخواه - این بر خلاف آئین نامه است اگر قرار است آقای خلخالی و غیره صحبت کنند من اعتراض دارم (همه نمایندگان - زنگ رئیس)
خلخالی - آقای دکتر سحابی آئین نامه را چند بار متذکر شدند و در این جا خوانده شد خود ایشان یا نماینده دیگری میتواند از طرف ایشان دفاع کند آئین نامه را بخوانید.

معادپخواه - کجای آئین نامه است بمن نشان بدهید (زنگ رئیس)
خلخالی - نماینده مورد اعتراض توجه کنید آقای معادپخواه آن موقعی که باید اعتراض میکردید نکردید حالا شده اید معترض (معادپخواه - من تسلیم آئین نامه هستم هر چه در آن نوشته شده)

رئیس - آقای خلخالی شما بفرمائید بنشینید (خلخالی - بنده میروم می نشینم)

کروبی - آقای معادپخواه بفرمائید بنشینید.
خلخالی - در آئین نامه نوشته شده نماینده مورد اعتراض حق دارد نماینده دیگری را معرفی کند. (زنگ رئیس)

بجنوردی - طبق آئین نامه آقای خلخالی میتوانند صحبت کنند.
رئیس - ملاحظه بفرمائید آئین نامه این است.

«نماینده مورد اعتراض حق دارد نماینده دیگری را برای دفاع معرفی نماید هم چنین نماینده مورد اعتراض و مدافع او» توجه بفرمائید که (و) است نوشته «و مدافع او میتوانند به تمام اعتراضات در جلسه جواب بدهند و دفاع کنند» حالا بسته بنظر شماست.

توکلی - این کار آقایان درست اگر آئین نامه ابهامی دارد و مسأله ای ایجاد نمیکند بگذارید در اختیار هیأت رئیسه آنها یک تفسیر خاصی از آن میکنند.
رئیس - آقای توکلی خواهش میکنم بنشینید. آقایان شما میخواهید قضاوت کنید هر چه برای قضاوت شما مفید باشد و شما بتوانید تصمیم گیری کنید.

موسوی تبریزی - آقای دکتر سحابی در مورد مخالف آئین نامه تصریح دارد که یک نفر یا دو نفر یا سه نفر میتوانند صحبت کنند ولی در مورد دفاع ذکر شده است یا خودش یا شخص دیگری.

رئیس - یا ندارد «واو» هست آقای خلخالی، آقای معادپخواه عین آئین نامه را نگاه کنید.

خلخالی - «یا» نیست «و» است.

رئیس - یکریغ تنفس داده میشود.

(جلسه در ساعت ۱۱/۲۵ صبح بعنوان تنفس ختم گردید و مجدداً در ساعت دوازده و پانزده دقیقه به ریاست آقای دکتر یدالله سحابی تشکیل شد)

رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. جلسه رسمی است از آقایان خواهش می کنم جلوس بفرمایند تا بتوانیم بحث را ادامه بدهیم، جلسه هیأت رئیسه به اتفاق اغلب آقایان رؤسای شعب تشکیل شد و راجع به این موضوع بحث کردیم یعنی راجع به این که شخصی که مورد اعتراض است و جواب های او و کسیکه از طرف او تعیین میشود به این نتیجه که الان عرض میکنم رسیدیم، اصولاً تأیید شد بر اینکه این ماده راجع به این موضوع، که منفرداً و یا معاً میتوانند دفاع کنند روشن نیست و چون روشن نبود. و از طرف دیگر در مسائل قضائی هم رسم است که اگر ابهامی در یک بحثی یا در یک ماده قانونی یا در دستوری باشد همیشه جانب شخص مورد اتهام را «که البته در قوانین اتهام بکار می بریم و در این جا شخص مورد اعتراض منظور است» می گیرند و حق را به او میدهند و حتی اگر روشن نباشد و حتی المقدور به نفع فرد مورد اعتراض رأی میدهند از این نظر به اتفاق این نظر را پیدا کردیم که درباره آقای حسینجانی یک نفر دیگر نسبت به وقتی که باقی مانده است میتواند به دفاع از ایشان

دیالمه - طبق آئین نامه اگر مطلبی را فردی تحریف بکند فرد مقابل میتواند بدون گرفتن وقت جواب بدهد متن آئین نامه را شما ببینید (زنگ رئیس) (همه نمایندگان)

غضنفر پور - چرا از موقعیتان آقای دیالمه سوء استفاده میکنید؟ یکی از نمایندگان - آقای سحابی آئین نامه باید رعایت بشود.

حسینجانی - حرف ها خیلی زیاد است آنوقت نگویید وقتتان تمام شد. در مورد آتش سوزی دهکده ساحلی و مغازه و این چیزها که فرمودند اصلاً این موضوع بمن ربطی نداشته و من آتش سوزی را تأیید نمیکنم ولی خوب شاید در جاهای دیگری هم بوجود آمده، حالا با تحلیل غلط یا درست عده ای می بینند که مثلاً یک عشرتکده ای در دهکده ساحلی هست و هنوز هم وجود دارد و کسی هم بدادشان نمیرسد آخرین راه حلی که بنظرشان رسیده این بوده که خودشان رفته اند این کار را کرده اند اتفاقاً بعد از آتش سوزی در یکی از مساجد که سخنرالی داشتیم از من پرسیدند من جوابم درست این بود که گفتم یا آن ساختمان متعلق به بیت المال است که باید مصادره میشد و عمومی است و نمیایستی آتش میزدید چون یک چیز عمومی است یا اینکه نه حق بود باز هم نمیتوانستید آتش بزنید من این روش را تأیید نمیکنم در مورد انتقاد از دولت موقت و یا مثلاً انتقاد از شورای انقلاب و چیزهای دیگر خوب مگر این غیر اسلامی است شما میگوئید انتقاد نباید بشود یعنی تمامی مسائل را اگر شما نظری داشته باشید نباید بگوئید تازه اگر قرار بر این باشد که انتقاد کردن و این قبیل چیزها خطا باشد آخرین منتقد یعنی تازه ترین انتقاد کننده خود امام است... مهدی زاده محلاتی - تهمت زدن جایز نیست، شما حق تهمت زدن ندارید. کروبی - عده ای آمده اند و نوار را هم با خودشان آورده اند نوار را بشنوید آنوقت معلوم میشود چه گفته اید.

رئیس - آقای کروبی خواهش میکنم بنشینید. آقای حسینجانی صحبتتان را ادامه دهید وقتتان دارد تمام میشود.

حسینجانی - درباره دولت موقت سیاست گام بگام یا هر چیزی دیگر از این قبیل من انتقاد کرده ام و حالا هم میکنم در مورد نوارها هم عرض کنم بیاورید بشنوید و قضاوت کنید مسأله ای نیست (مهدی زاده محلاتی - باید محاکمه هم بشوید...) خوب این نظر شماست (عده ای از نمایندگان - نظر همه است) (زنگ رئیس) بنا بر این من در مورد این کلیات حرف هایم را تمام میکنم و از برادرها که تقاضا کرده اند بعنوان دفاع از سنهم حرف بزنند از مابقی فرصتی که هست یعنی از ۲ دقیقه فرصت من که باقی است من بقیه را موقوف میکنم به آقای خلخالی یا آقای فوسنی که خودشان تقاضا کرده اند و به حرف هایم خاتمه میدهم.

رئیس - آقای حسینجانی توجه بفرمائید عده ای بر طبق تذکری که در ابتدای جلسه داده شده بود از شما توضیحاتی خواسته اند بقیه وقتتان را اختصاص بدهید به جواب این توضیحات که خواسته اند.

حسینجانی - مگر قرار نیست که اینجا عدالت حاکم باشد در باره سایرین شما بدیگران اجازه میدهید دفاع کنند ولی در مورد من جلوگیری بعمل میآورید. رئیس - آقای حسینجانی در مورد دفاع از خودتان که میتوانید از وقت استفاده بکنید.

حسینجانی - من یک جمله از علی علیه السلام میخوانم و حرفم را تمام میکنم و هیچ جوابی هم نمیدهم.

و ما اصنع بفدك و غیر فدك و النفس مظانها فی غد جدث تنقطع فی ظلمته آثارها و تغیب اخبارها من با فدك و غیر فدك با مجلس و وکالت و با ریاست و غیر ریاست میخواهم چکار کنم و مطمئن باشید به فردا میاندیشم که هیچکدام از شما نیستید و من رابطه ام با خدا باید مشخص بشود و آنجائی را که این آثار و این اخبار از بین خواهد رفت والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

رئیس - آقای حسینجانی توجه بفرمائید. (همه نمایندگان - زنگ رئیس) این ها در حقیقت سؤالاتی است که مخالفین گفته اند شما باید در دفاع خودتان جواب بدهید شما یک یک این ها را جواب بدهید (حسینجانی - جواب دادم از بقیه وقتم آقای خلخالی استفاده کنند) آقای خلخالی خواهش میکنم بنشینید.

خلخالی - آقای دکتر سحابی خود ایشان وقتش را بمن داده است.



بپردازد. خیلی هم بجا هست زیرا به قدر کافی راجع به پرونده ایشان و اعتبار نامه ایشان صحبت شده است و شاید چند نقطه ابهام کمی باشد مگر سؤالاتی. ضمناً بعد از اینکه ایشان صحبتشان را کردند و بعد از اینکه آن شخصی را که ایشان در ردیف اول قبلاً انتخاب کردند صحبتشان را کردند سؤال‌ها هم مطرح خواهد شد، البته آقایان سؤالهائی را که برای روشن شدن مطلبشان لازم میدانند به مدت ده دقیقه میتوانند این جا مطرح کنند و بعد دوباره به آقای حسینجانی فرصت داده میشود که علاوه بر آن یکساعتی که وقت برای ایشان تعیین شده به تناسب همین سؤالاتی که جنبه اعتراضی دارد ایشان هم پاسخ بدهند و بعد از این جریان ما نسبت به اعتبار نامه ایشان رأی گیری خواهیم کرد حالا آقای حسینجانی یا خودتان بفرمائید دفاع کنید یا اولین فردی را که انتخاب کرده‌اید معرفی بفرمائید (حسینجانی - بنده آقای خلخال را انتخاب کرده‌ام) آقای خلخال بفرمائید.

خلخال - بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين ...
دوش با بن گفت پنهان راز دان تیزهوش
از شما پنهان نشاید کرد سرفروش

گفت آسان گیر برخود کارها کز روی ترس
سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت کوش

من مقید به این معنا نیستم که شما رأی به آقای حسینجانی بدهید یا ندهید، من کاری به آن کارها ندارم ولی سخت گیری بی مورد عین جانی است که آدم بخواهد تساهل و تسامح بی جا بکند هر دو از مقوله افراط و تفریط است و برای این مجلس شایسته نیست من با کمال معذرت سواردی را که مورد حرف و اعتراض آقایان مخصوصاً جناب آقای عبدالکریمی بوده است و عنوان کردند بعضی هایش را یادداشت کرده‌ام و عرض میکنم آقای دکتر یزدی هم این جا هستند و شاهد جریان هستند. ما درباره این معنا که چطور شد از صد و پنجاه هزار نفر مردم که در انزلی و اطرافش زندگی می‌کنند فقط پانزده هزار نفر جمعیت رأی داده‌اند. خود این معنا ذهن ما را می‌قاپد و مطلب را وارونه می‌کرد، ما فکر کردیم حتماً محیط ارباب بوده است بعد جناب آقای یزدی آراء استان گیلان را آوردند دیدیم که مربوط به صومعه سرا و لاهیجان و هشت بر طوالش بوده و فقط در هشت بر طوالش آن دوازده نفر است که کمتر بوده حالا یادم نیست و دور دوم بیشتر و گویا در تمام ایران فقط یکی، دو جا این طور استثنائی بوده است والا تمام موارد انتخابات در دور اول بیشتر بوده و در دور دوم کمتر بوده و یا در قانون اساسی و ریاست جمهوری واصل رفراندوم بیشتر بوده و همین طور که جلو آمده است کمتر شده، یکی دو جا در ایران نمونه بوده است از جمله هشت پر و یک جای دیگر و این که می‌گویند صد و پنجاه هزار نفر وقتی که آدم دقت می‌کند به یاد آن حرفی می‌افتد که ابن خلدون در مقدمه کتاب خود می‌گوید که جزو اموال خدیجه ۱۵۰ هزار شتر بود و کسی سؤال نمی‌کند که این ۱۵۰ هزار شتر کجا می‌چریدند؟ و چی می‌خوردند این ۱۵۰ هزار شتر را اگر بخواهیم قطار کنیم، اولین شتر در قاهره و آخرین آن از شام هم می‌گذرد و این اغراق است، اولاً محیط بندر انزلی ۱۵۰ هزار نفر جمعیت ندارد ثانیاً اگر جمعیت آن زیاد باشد در حدود بیش از شصت الی هفتاد هزار نفر جمعیت ندارد که نیمی از آن شصت الی هفتاد هزار نفر هم بچه هستند یعنی هنوز به سن بلوغ نرسیده و یا بهتر بگویم سن آن‌ها کمتر از شانزده سال است و این مسأله برای ما روشن می‌کند که انتخابات بصورت طبیعی بوده البته یک محیط هائی بوده است که بعضی‌ها در این انتخابات زده شده‌اند و کنار رفته‌اند. ولی محیط ارباب در بندر انزلی نبوده. بخاطر چی؟ برای خاطر اینکه مخالفین همه کوشش خودشان را کرده‌اند و ۳۵۰ یا ۳۶۰ رأی کمتر آورده‌اند اگر محیط اربابی بود نمی‌بایستی آقایان شرکت کنند محیط ارباب در رژیم گذشته در قم بود که چهار هزار نفر در انتخابات شرکت کردند و با اینکه سپورها و پاسان های قم در آن موقع را اگر جمع می‌کردید در همین حدود بودند مردم شرکت نکردند بنا براین اگر محیط ارباب بود فعالیت به این شکل جلوه نمیکرد در حالیکه موافق و مخالف رفته‌اند پای صندوق ولی خوب آنها رأی کم آورده‌اند و اگر آن‌ها بیشتر آورده بودند شاید مسأله عکس این جریان بود حالا درباره شهادت آقای عبدالکریمی یک مسأله‌ای را بگویم که البته این عقیده من است و من نمیخواهم به ایشان نسبتی بدهم و عقیده من امکان دارد که باطل هم بوده باشد و موضع گیری نمی‌کنم این شهادت آقای

عبدالکریمی حُب شیئی یعنی و یصم است زیرا سال‌های سال با آقای پور گل زندگی داشته‌ایم باینجهت می‌گویم پور گل آدم خوبی است و از پور گل حمایت می‌کنم می‌گویم پور گل آدم خوبی است، آدم خوبی است، آدم خوبی است. و آدم خیال می‌کند که آقای عبدالکریمی از آقای حسینجانی تنقید می‌کنند در حالیکه این دو مسأله نباید بهم مربوط بشود. حالا بنده به بعضی از سؤالات دیگر نمی‌پردازم ولی همین اندازه می‌خواهم بگویم که این احتمال را من میدهم که به اعتبار این که ایشان در مشهد استاد دانشکده بوده و چی بوده و چی بوده این گرایش‌ها مطرح میشود و نباید این گرایش‌ها عنوان بشود و به حیثیت مردم لطمه بخورد، مسأله دیگر این است که راجع به آقای هادی خودمان صحبت می‌کنیم ایشان از بندر انزلی رد شده و دوسه نفر، بیست نفر، هم پیش ایشان نشسته‌اند و گریه هم کرده‌اند ایشان می‌گوید که از طرف کمیسیون تحقیق یا مجلس شورای اسلامی برویم اینجا و دوباره تحقیق کنیم. یا بقول آقای رجائی بایستی انتخابات باطل بشود من از آقای هادی نمیتوانم این سؤال را بکنم که شما از آن جا رد شدید و دیدید که شانزده نفر دارند گریه می‌کنند چطور نفرتی از موافقین آقای حسینجانی بپرسی که این‌ها چند نفر هستند که گریه می‌کنند؟ خوب اینطرفی‌ها هم گریه می‌کنند، ۱۶ هزار نفر به این رأی داده‌اند، ۱۶ هزار و سیصد و خرده‌ای هم به این رأی داده‌اند خوب آقای محقق که می‌آئی در پشت میکروفون، من به خودم این معنا را اجازه میدهم چون بالاخره رفیقیم، خوب از آن جا رد شدی آقا برو یک قدری تحقیق کن، خودت تحقیق کن، نیاید این جا وقت سردم را بگیرد آقا تحقیق یکطرفه یعنی همان قضاوت یکطرفه است که مذموم است، شما می‌آئید عنوان می‌کنید که فلان و فلان گریه میکرد دیروز آقای هادی جلوی من را گرفت و راجع به انتخابات بندر انزلی مطالبی گفت بایشان گفتم آقا، گفت فلانی بازاری، ریش دار، چی و چی... گفتم شما از دور دست به آتش دارید. در جریان بندر انزلی این‌ها چهار الی پنج نفر بودند که بچه‌های آنان این آتش فتنه را روشن کردند و من نمیخواهم اسم هایشان را بگویم همین بازاری‌ها، یکی، دوتا از همین‌ها که شهادت دادند پیش آقای هادی پررئوز هم به من تلفن کردند و من رازها نمی‌کرد دوتا بچه‌های این شخص از آن هائی هستند که اسلحه را از پاسدار گرفته‌اند و به عنوان چریک و غیره این آتش را روشن کرده‌اند حالا آقا خرده حساب دارد. مسأله دیگر اینکه راجع به روحانیت گفتند؟ اولاً روحانیت بندر انزلی محترم است روحانیت غازیان محترم است، الان هم آنجا هستند و مورد احترام هم هستند و بعضی از آن‌ها نماینده امام هستند، اما خوب بعضی از این روحانی‌ها هم خلع لباس شده‌اند من یادم است این آقای حاج فضل الله محلاتی شاید در آن جلسه بودند یکی از آن روحانی‌های آن زمان یعنی بیست سال قبل آمد به ما گفت چرا ما را جزو خودتان نمی‌کنید ما هم جزو شما، گفتیم باشد شما هم جزو ما اما یک شرطی دارد و آن این است که شما یک سور حسابی به ما بدهید، ما رفیقیم سور حسابی هم در آنجا خوردیم، بعد گفتیم قبله کجاست؟ خدا میداند که در خانه خودش قبله را بلد نبود، اینهم شاهدش که این جا نشسته که آن شخص قبله را بلد نبود این آقایان دسته جمعی بلند میشدند به سرکردگی امام جمعه کجا، می‌رفتند جلو اعلیحضرت و دیگران، کی، می‌ایستادند و بعد، تعبیر، خیلی تعبیر عجیبی بود می‌گفت رضاخان اعلی الله مقامه و رفع الله درجه، آخر شما چه توقع دارید از این جوانان ما و از این مردم ما، حالا مثلاً کسی که با یک روحانی مخالفت می‌کند، می‌گویند آقا با روحانیون مخالف است این هم از اغراقاتی است که نباید گفته بشود و آن مسأله‌ای که مربوط است به شخص آقای حسینجانی ایشان شاید همان طوری که من در این جا پنج روز به ایشان برخورد کرده‌ام شاید کمی پرخاشگر بوده باشد و یک کمی هم غلو بگوید اما به شهادت جناب آقای میلانی که اینجا نشسته‌اند ایشان گفتند که جوانی بوده است ساعی و متدین و حتی در خط این گروه‌بازیه‌ها هم نبوده البته جوان پر حرارت بوده بالاخره یک وقتی انتقاد می‌کند یا از شورای انقلاب بدسیگوید مخصوصاً از دولت به اصطلاح انقلاب اسلامی ایران در آن زمان‌ها خوب یک انتقاداتی هست ولی آدم نباید بگوید که با اصل دولت ایران و با اصل دولت و جمهوری اسلامی ایران مخالف است. اگر ایشان اجازه بدهند اعلامیه‌ای که در روز انتخابات در سراسر بندر انزلی منتشر شده و باعث همه این پرخاشگری‌های آقای حسینجانی شده است بخوانم و خدا میداند که من نمیخواهم از ایشان دفاع بکنم و کاری به این ندارم که شما رأی بدهید یا رأی ندهید باین کار ندارم حیثیت ایشان باید محفوظ بماند بالاخره یک مسلمان که هست، فرماندار جمهوری اسلامی که بوده و وقتی هم

که امام فرمود مگر مردم بندر انزلی مرده اند جلوتر از همه این بوجاره بلند شده و زودتر از همه رفته است و طرح جدا رفتن زنهای مردها به دربارا داده و به شهادت این آقای فومنی و دیگران و دیگران که در این جا هستند و بعد در همین باره حتی کار به پرخاشگری و این حرفها کشیده است و بعد عرض کنم که گروههای مختلف دیگر از فومنی، از لاهیجان، از صومعه سرا، از طاهره گرآب و جاهای دیگر که می آمدند و برای حمایت ایشان در کنار دریا نماز وحدت می خواندند. از این مسائل نمیتوان اغماض کرد، وانگهی این اعلامیه علیه من اگر بوده باشد منم از کوره دربروم زمین و زمان را به هم سیدوزم میروم یقه آن فرماندار را میگیرم و او را از فرمانداری میکشم بیرون چرا؟ برای اینکه اگر ایشان و آقایان اجازه بدهند من این جا این را میخوانم تا بیشتر بشود ولی خواندن این درست نیست ولی خدا شاهد است که خواندن آن معرفی می کند، درست است که بی امضاء است ولی در یک جو موافق و مخالف در بندر انزلی اعلامیه بی امضاء هم اثر خودش را میگذارد و روحیه آدم را میگوید شما نگاه کنید چند جمله از این اعلامیه را میخوانم....

یکی از نمایندگان - نخوانید آقا، نخوانید آقا

خلخالی - خلاصه اش عبارتست از این که هر عنوان روسپیگری را به خانواده ایشان نسبت داده اند و این باعث عصبانیت ایشان میشود. بلند شده و رفته و گفته آقا من آتش... البته نگفته که به آتش می کشم، در حال عصبانیت آدم ممکن است به خدا و پیغمبر هم بد بگوید مثل ترکها که وقتی عصبانی میشوند میگویند «الله.....» یعنی به آن الهی که تو معتقد هستی من اصلاً معتقد به آن راه نیستم خوب این عصبانیت پیش می آید و این آقا هم بلند شده و رفته البته من نبودم و نمیدانم ولی علی القاعده دارم میگویم شاید هم ایشان نگفته اند من هم اگر بودم می رفتم و یقه فرماندار را می گرفتم و می گفتم که تو چرا علیه من چنینی؟

یکی از نمایندگان - امضاء دارد.

خلخالی - امضاء ندارد ولی بدتر از امضاء دار است.

سید حسین موسوی - آقای خلخالی همه جا از این قبیل اعلامیه ها بوده است. خلخالی - اجازه بدهید، شما حرف هایتان را زدید، ما هم این را گفتیم ما نمی گوئیم اعتبار دارد، از نظر قوانین سلطنتی فاقد اعتبار است اما از نظر تحریک احساسات آیا جناب آقای فرماندار محل نباید جلو این اعلامیه فاقد اعتبار را بگیرد؟

یکی از نمایندگان - چه جوری؟

خلخالی - باید بگیرد، باید بگوید جمع کنید، منتشر نکنید، ماسور بوده چطور شده که بائی یجروبانک لایجر؟ چطور شد که علیه من وقتی اعلامیه منتشر میشود جلوی باز است. اما علیه شما خیر؟ این خلاصه مطالبی بود که من عرض کردم و چون اجازه فرمودید این اعلامیه را بخوانم و صلاح هم نیست که خوانده بشود. ولی توجه داشته باشید که اعلامیه جوی را به وجود آورده بوده که ایشان را ناراحت کرده بوده حالا این بسته به این است که شماها چه جوری رأی بدهید اما در مورد جهاد سازندگی، ایشان برای مردم کار کرده و مردم طرفدارش هستند آیا این جرمش است؟ واقعاً عجیب است، کار نکند چطور بکند چطور این درست عین قصه ملانصرالدین است که سوار الاغ می شود می گویند این پیرمرد سوار الاغ شده اگر سوار الاغ نشود می گویند این پیرمرد الاغ را خالی گذاشته و پیاده راه میرود، ایشان هم در جهاد سازندگی کار می کنند و طرفدار پیدا می کنند این هم جرم است. ! والله ما نفهمیدیم که چرا کمال در این مجلس برای آدم جرم است و من از آقایان خواهش میکنم که چون کارهای سنگین و سنگین تری داریم در این مسأله آراءشان را محترمانه موافق یا مخالف بدهند و این که رد میشود یا قبول میشود اصلاً به ما مربوط نیست والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. (دکتر یزدی - لطفاً یادداشتی را که برای شما فرستاده اند قرائت بفرمائید). یادداشت آقای دکتر یزدی باین شرح است «آراء مربوط به مرتبه دوم رأی گیری در کمیسیون تحقیق در مورد آقای حسینجانی ده رأی موافق، پنج رأی ممتنع. این آراء دقیقاً از روی صورت جلسه کمیسیون تحقیق استخراج شده است که ارقام قبلی در صورت مذاکرات مجلس اصلاح شود»

دکتر یزدی

این جریان اسر بود و من کاری ندارم میخواهید موافق رأی بدهید و

میخواهید مخالف رأی بدهید.

رئیس - آقای حسینجانی پنج نفر از آقایان از شما توضیح خواسته اند این ه نفر عبارتند از آقایان معادی خواه، دکتر زرگر، معالایی، دانش و دهالمه شما سؤالات را یادداشت بفرمائید و بعد جمعاً و یافرد فرد جداگانه توضیح بفرمائید، برای اینکه بیشتر روشن شود آقای معادی خواه بفرمائید.

معادی خواه - بسم الله الرحمن الرحیم. اولین سؤال من که دیروز هم اجازه خواستم همین مسأله را مطرح کنم ولی چون مجلس متشنج بود و اجازه داده نشد حالا این سؤال را مشترکاً داریم. انتقاد از شورای انقلاب با انتقاد از دولت بوقت یک طیف وسیعی را تشکیل میدهد. صحت آمریکا انتقاد می کند، رادیو اسرائیل انتقاد می کند، رادیو بعث عراق انتقاد می کند سازمان چریکهای فدائی خلق هم انتقاد می کند سازمان مجاهدین خلق هم انتقاد می کند. ایلم هم انتقاد می کند و بیرون خط امام هم انتقاد می کنند آیا یک شاخصه ای ندارد که انشان ببینند که این انتقاد از چه پایگاهی و از چه جایگاهی منشأ میگیرد من فکرمی کنم شاخصه ای دارد که این را مشخص میکند، که انتقاد خط امام را از انتقاد خط آمریکا جدا میکند آن کسیکه دهها نوار وجود دارد که تند ترین انتقادها را علیه شورای انقلاب کرده آیا یک نوار وجود دارد که یک جمله علیه مجاهدین خلق گفته باشد که از اول پیروزی انقلاب تا بحال

این جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند این سؤال را دیروز از آقای محمدی هم داشتم خوب، این یک سؤال، اگر یک نوار وجود دارد که باین توطئه گرها انتقاد شده باشد میگوئیم انتقاد است، مانعی ندارد ایشان در نامه سرکشاده ای هم که به امام زمان نوشته بودند هیچ کلمه ای از این آقایان نکرده بودند. در مورد این خصوصیت بمحض اینکه مطرح میشود که دوفرد کان دار بودند فوراً میگویند بلی اینها سرمایه دار هستند خوب این یک آفتی است و بلائی است برای این انقلاب که هیچ حساب و کتابی وجود نداشته باشد. ولو یک دکه مختصری داشته باشد یا هر چیز دیگری، این چه دلیلی داشت که این آقا چون کان دار بوده پس باید آتش کشیده بشود. و بعد این خاصیت اتهام زدن که چند نفر توضیح دادند که ما برای سخنرانی بانجا رفتیم مثل آقای هادی و آقای عبدالکریمی آخر اینها چه توطئه ای کردند؟ چه جور میشوید این جور بر حسب زدن و رنگ به توطئه بازی کردن را ثابت کرد به مجرد اینکه چند نفر یک جور حرف گفتند و اینها در بندر انزلی بودند این کافی است برای این که انسان نمایندگان مردم را متهم بکنند به اینکه همه تان نشسته اید و یک کار ضد انسانی و ضد اسلامی کردید (رئیس - آقای معادی خواه قرار بود شما سؤال کنید و توضیح بخواهید نه اینکه ایراد بگیرید) سؤال چهارم، آیا این جمله که آقای طباطبائی از دانشگاه گیلان مدعی هستند نوارش را دارند بوده یا نه که در اعتراض به جمهوری اسلامی بلی، «آنها مرحوم آیت الله طالقانی را کشتند و خودشان رئیس مجلس خبرگان شدند وجه کردند» اگر این هست باید این شخص بدادگاه انقلاب معرفی بشود. سؤال پنجم، در گیلان در روز انتخاباتی ایشان اعلامیه ای صادر شده و به ایشان توهیناتی شده و ایشان عصبانی شده اند و خواسته اند شهر را در حالت عصبانیت آتش بکشند. آیا در گیلان چقدر اعلامیه علیه اساس اسلام و جمهوری اسلامی در این مدت منتشر شد. آیا ایشان تا بحال یقه فرماندار آنجا را گرفتند که این اعلامیه ها را چه می کنید؟ و بالاخره در قسمت آخر سؤالاتم باید این را هم عرض کنم که در دفاع از یک فرد، انسان نباید بگوید اصلاً یکصد و پنجاه هزار نفر دروغی است پس اصلاً آنجا انتخابات نباید بشود (عده ای از نمایندگان - احسنت، احسنت، احسنت)

رئیس - آقای حسینجانی بلافاصله جواب میدهید بفرمائید؟

حسینجانی - بنام خدا البته نمیخواهم باین مسائل جواب بدهم فقط از هیات رئیسه میخواستم این سؤال را بکنم و تذکر بدهم که این سائلی که بعد از این همه صحبت بعنوان سؤال مطرح میشود در واقع بعنوان مخالف است نه بعنوان سؤال یعنی عرض کنم سؤال باین نحو باصطلاح نمیتواند مطرح بشود. و همانطوری که خودتان قرار گذاشته بودید همینکه پرونده مطرح شد اعلام کردید که مخالفین ثبت نام و اعلام آمادگی بکنند و باینده صحبت بکنند و تعداد مخالفین مشخص شده بود. و همانطوریکه وقت دفاع میرسد کاملاً به آئین نامه تکیه می کنید، و نمیخواهید حتی مثل سایرین این دفاع انجام بگیرد یعنی آنهایی که در داخل مجلس هستند و از محل انتخاباتی در همان حول و جوش و در همان منطقه انتخاب شده اند حتی آنها حرفشان را بزنند. بنابراین من اعتراض این است که حتی

آقایان بعد از نوبت، بعد از باصلاح آن وقت مقرحق این را ندارند که دوباره بیایند و بتوان مخالفت صحبت بکنند من تذکر این است .

رئیس - آقای حسینجانی، توجه بفرمائید اولاً من متذکر شدم که این تصمیمی که آقایان سؤالشان را مطرح بکنند در هیأت رئیسه و یا حضور رؤسای شعب این مطرح شد . دوم قبلاً متذکر شدم در موقعیکه اعتبارنامه شما مطرح شد من گفتم آقایان مخالفین چند نفر هستند؟ که سه نفر از آقایان خودشان را معرفی کردند و من به همان سه نفر اجازه دادم که آمدند و صحبت کردند و شما جوابشان را دادید. در این ضمن چند نفر دیگر تقاضای صحبت داشتند و مطالبی داشتند که من آنها را متوقف کردم و گفتم شاید در ضمن مدافعاتی که آقای حسینجانی می کنند جواب سؤالاتی که آقایان دارند داده بشود معذک به آقایان گفتم که اگر احتمالاً باز هم سؤالی داشته باشند میتوانند مطرح کنند و آقای حسینجانی باز هم در مقام دفاع بر بیایند و جواب بدهند. برای اینکه قبلاً به آن سه نفر آقایان وعده داده شده بود ولی بعداً آقایان حق دارند که اگر سایرین هم توضیحی میخواهند و مخالفتی دارند مخالفتشان را اظهار کنند و جوابش را هم انتظار داشته باشند که دریافت کنند آقای حسینجانی در این باره ناراحت نباشید زیرا هر قدر جواب این مسائل را توضیح بدهید به نفعتان خواهد بود .

حسینجانی - بسیار خوب، پس یک تقاضای دیگر از هیأت رئیسه سنی و برادران و خواهران دارم که هر سؤال و هر مطلبی که اینجا میخواهد عنوان بشود ولی این را اجازه بدهید که مخصوصاً تکیه میکنم روی افرادی که بیشتر مرا می شناسند و حتی در منطقه از طرف اسام یا سایر ارگانها مسؤول بوده اند و در منطقه بوده اند. چه از برادران روحانی و چه از برادران غیر روحانی آنها هم بیایند حرفهایشان را مطرح کنند .

رئیس - مطلبی در جواب آقای معادیخواه ندارید ؟

حسینجانی - حرفم مشخص است باین تقاضای من جواب بدهید

اصفهانی - آقای دکتر سجایی یک موافق یک مخالف .

یکی از نمایندگان - جواب سؤالها را ندادند .

سلامتیان - آیا با گذاردن یک کلمه آید اول یک کتاب مطول می شود

گفت که مطول فقط یک سؤال است. سؤال معنایش مشخص نمی شود که شخصی یک ربع ساعت صحبت کند و بگوید یک سؤال است .

کیاوش - این را سؤال کننده باید بگوید نه شما (همه نمایندگان) .

اعظم طالقانی - آقای دکتر سجایی اجازه بدهید کماتیکه می خواهند در

باره آقای حسینجانی نظر بدهند صحبت کنند .

رئیس - آقای حسینجانی بنظر من بهتر است تحمل بفرمائید و سؤالها را

بشنوید شاید سؤالها تکراری باشد بعد از این آنوقت بیایید جواب بدهید .

حسینجانی - افرادی را من بعنوان شاهد دارم .

رئیس - می توانید ولی توجه بفرمائید که بعد از این یک چیز جدید است

بهر حال اگرخواستید از کسی شهادتی هم بگیرید اشکالی ندارد جناب آقای

دکتر زرگر جنابعالی بفرمائید .

دکتر زرگر - بسم الله الرحمن الرحیم، من یک توضیح کوچکی میدهم

و کاری به آقای حسینجانی ندارم و ایشان را هم نمی شناسم فقط در دفاع از حریم

پزشکی سؤالهای را اینجا برای آشنائی ملت شریف ایران و نمایندگان محترم

عنوان می کنم در کشمکش های گروهی خودشان بهیچوجه من الوجوه مسائل

پزشکی را وارد دستهبندی ها و گروههای خودشان نکنند و هشدار میدهم که این

برای جامعه بسیار خطرناک است. در ارتباط با فوت مرحوم آیت الله طالقانی

که من نمیدانم و قضاوت هم نمی کنم و شدیداً دنبال این هستم که سؤال را از

ایشان بکنم و خواهم کرد و میخواهم که جواب بدهند. گروهها خواستند که

از مرگ آیت الله طالقانی بهره برداری کنند و در ارتباط با این موضوع ،

مسأله قتل ایشان را مطرح کردند و باین ترتیب به حریم پزشکی و کسانی که

برگ فوت ایشان را امضاء کرده بودند توهین کردند و ما جامعه پزشکی شدیداً

در مقابل یک چنین جبهه گیریهای مقاوم خواهیم کرد. از ایشان سؤال میکنم

آیا ایشان فوت مرحوم آیت الله طالقانی را قتل عنوان کرده اند یا نه؟ اگر عنوان

کرده اند دلیلشان را بفرمایند تا جامعه پزشکی ایشان را به محاکمه دعوت کند

اگر عنوان نکرده اند تکذیب کنند و عقیده خودشان را صریحاً در ارتباط با این

عمل مناقه که گروهها خواسته اند از آن بهره برداری کنند اعلام دارند .

رئیس - آقای محلاتی (محلاتی) - سؤال مرا آقایان کردند من دیگر

عرضی ندارم) آقای دانش بفرمائید

دانش - سؤال من این بود که بیانات اولین و دومین مخالف در اینجا عنوان شد که طرفداران ایشان جز ارباب بوجود آورده بودند و خود ایشان هم در ضمن توضیحاتشان بیان کردند که من قدرت این را دارم که با فرماندار مقابل به مثل بنمایم و او را مجازات کنم، خواستم توضیح بدهند که منظورشان از گروهی که طرفدار ایشان بودند موضع فکری چه بوده و بچه شکلی بوده است؟

رئیس - آقای دیالمه بفرمائید .

دیالمه - یک توضیح کوچکی در قسمت اول بدهم که من نگفتم که چرا در آن منطقه رأی کم بوده بلکه من اشاره کردم که شما توجه کنید که دادستان دادسرای انقلاب وقتی میخواهد صحبت کند آقادر جو نا اسن هست که در آنجا جمله را این چنین مینویسد. من شکل جمله را گفتم نه اینکه چرا ۱۰۰ هزار رأی بوده است. میگوید «تنها باین نکته اشاره میکنم چرا مردم بندر انزلی و حومه که در حدود ۱۰۰ هزار نفر هستند فقط ۱۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کرده اند. آیا علتی جز نگرانی مردم چیز دیگری هست؟ امید است دقت بیشتری بشود» من منظور نظرم این بود که حتی او از ابراز این مسأله میترسد نه اینکه چرا آراء کم یا زیاد شده است این یک مسأله، مسأله بعدی این است که شما جواب نفرمودید به مطالبی که من گفتم اولاً آن دو پرونده با اتهام اهالت بمأمور دولت در حین انجام وظیفه و تخریب عمدی که در برگه دادگستری شهرستان نوشته شده که این برگه را هم کمیسیون تحقیق نخواست است آن چه بوده است؟

آن ۱۲ قهرای که ذکر کردند که پروندههایش را نخواستند آن چه بوده است. آنها را باید میخواستند. مرحله بعدی هم این است. انتقاد کردن با تضعیف فرق می کند. جمله بازرس وزارت کشور این است شما این مطلب را جواب بفرمائید، بازرس وزارت کشور این جور میگوید، میگوید بنظر ایشان (یعنی آقای حسینجانی) فرماندار باید محلی باشد یعنی خلاف قوانین که دولت مرکزی گذاشته و در واقع تابعیت از دولت مرکزی در مسائل مختلف برایشان تقریباً ناگوار بنظر میرسد (تبعیت از دولت مرکزی) و ایشان معتقدند اکثر کارها باید در محل حل و فصل بشود و اعتقادشان به دستگاه دولتی ضعیف بنظر میرسد .

مأمور دولت اعتقادش بدولت ضعیف است اگر مأموری این دولت را قبول ندارد استعفا بدهد از شغلش چون مأمور دولت خودش باعث تضعیف همان دولت شده است بنظر میرسد که یکعه از هواداران ناسبرده نیز از ایشان حرف شنوایی دارند و دست به کارهای نسنجیده میزنند . یعنی آن افراد هم در زمان فرمانداری ایشان اینطور عمل میکردند. این مسائل را توضیح بفرمایند سؤال بعدی که میگویم این است که در مهاباد هم آقای غنی بلوریان در صندوقهای رأیشان مسکن بود اشکال نباشد ولی جو را ما میگوئیم ناسن است . شما جو ناسن را در باره اش صحبت کنید نه اینکه صندوقهایی که باطل کرده اند حق بوده یا ناحق بنابراین در مورد جو ناسن و وعیب و وحشت که وجود داشته آنرا توضیح بدهید

رئیس - آقای رضائی .

رضائی - من چند سؤال دارم که آقای حسینجانی خوب است در این مورد بما پاسخ بدهند سؤالات این است که ۱ - آقای حسینجانی چرا درباره آتش سوزی دانسینگ دهکده ساحلی توضیح نمیدید که شما مخالفت خود را با این نوع اعمال با اعلام داشتید و دادستان انقلاب گیلان آنها را دستگیر نمود و درباره آنها تعقیبات لازمه را معمول داشت

رئیس - شما سوال کنید و بگذارید خود ایشان جواب بدهند .
رضائی - من میخواهم سؤال بکنم .
رئیس - این چه سؤالی است که شما میکنید، اگر جواب آنرا میداند چرا سؤال میکنید .

کیاوش - ارائه طریق است .

رضائی - آقای حسینجانی چرا موضع خود را در مورد انقلاب از موضع همراهی اعلام نمی کنید که برخلاف گروههای توطئه گر در کارهای اجرائی بودید و شبانه روز برای انقلاب تلاش میکردید. (همه نمایندگان) آقای حسینجانی چرا نمیپرسید اگر ۱۰۰ هزار نفر ملاک برای رأی گیری هست در صومعه سرا - لاهیجان - فوسن - بیش از سی چهار هزار نفر شرکت کردند؟ در صومعه - سرا نه اینکه پانزده هزار شرکت کردند آقای حسینجانی چرا در این مورد توضیح نمیدید؟ (همه نمایندگان - زنگ رئیس)

بعضی از نمایندگان - سؤال نیست .



دقیقاً نمیدانم که سوم مرحوم طالقانی بود یا خیر در دانشگاه گیلان از من برای سخنرانی دعوت کردند و آنجا هم رفته‌ام. منتها اگر هم گله‌ای، چیزی بوده از کل خود ما بود که مانبایستی با پیش آمدن مرگ کسی برایش جمع بشویم برادران و خواهران باز هم عرض میکنم اگر شکمی در مورد اینگونه مسائل دارند خوب، گفتم میتوانند اگر مدرکی، چیزی دارند میتوانند ارائه دهند ولی باز اینجا میگویم و حرفم را تکرار میکنم که مسأله قتل یا کشتن رادریج جاسن طرح نکردم و معتقد هم باین نیستم. آقای دانش فرمودند که تو گفستی که قدرت این رادارم که با فرماندار مقابله کنم این حرف را مخالفین گفته‌اند نه من. یا مسأله اینکه شهر را با آتش میکشم بهیچوجه من چنین جمله‌ای را نگفتم. در مورد اینکه آقای دیالمه فرمودند که پرونده در دادسرا بعنوان اهانت و تخریب وجود دارد اصلاً تخریبی نبوده و کلاً تکذیب میکنم و مسأله اهانت را که مطرح کردند من خودم جریان را توضیح دادم آقای خلخالی هم توضیح دادند که در اعتراضی بوده که به فرمانداری داشتیم که باید جلو این کارها گرفته بشود و بعد اگر پرونده بوده چرا دادگستری و یا دادسرا تا حالا مرا نخواست که از من توضیحی بخواهد. من دیگر عرضی ندارم اگر باز مسأله‌ای باشد آقایان لاهوتی، فومنی، یوسفی و خیلی‌ها هستند که فکر میکنم از نزدیک جریانات و کارهای مربوط بمن را میدانند یعنی بعنوان شاهد معرفی میکنم که اگر مجلس و هیأت رئیسه اجازه دهند شهادتشان را در اینجا میدهند من دیگر عرضی ندارم.

رئیس - خیلی متشکریم شما دفاعتان را کردید و آقایان هم جواب شنیدند (عبدالکریمی - قبل از رای گیری از آقای خلخالی سؤالی دارم) اسکان ندارد و خواهش میکنم بشنید این کارها در کمیسیون تحقیق شده است یعنی باندازه کافی بحث شده است، من خیال میکنم از سوغی که اعتبارنامه‌ها مطرح شده تاکنون این اندازه توضیح موافق و مخالف نداشته‌ایم و مطلب باندازه کافی روشن شده است بنابراین باید رای بگیریم و بنده اعلام رای میکنم.

یکی از نمایندگان - نوار پخش نشد و در کمیسیون هم پخش نشده است. منشی - نوار در صلاحیت کمیسیون تحقیق است
کیاوش - مگر آقای حسینجانی فرمودند که ایشان آن حرف را نگفته‌اند پس نوار را پخش کنید که ببینم گفته‌اند یا خیر، جواب آقای دکتر زرگر هم باید داده شود. (همه نمایندگان)

رئیس - آقای کیاوش این مسائل از وظائف کمیسیون تحقیق است و باین مسائل توجه کرده‌اند حالا اعلام رای شده است. آقایان توجه داشته باشند کارتهائی را که خدمتشان هست در گلدانها نیندازند. چون رای مخفی است و باید موافق یا مخالف یا ممتنع را روی کاغذ سفید مرقوم بفرمائید.

(اخذ رای بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام شد)

رئیس - نتیجه آراء استخراج شده بشرح زیر است:

عده حاضر در جلسه ۱۹۸ نفر، مخالف ۷۸ نفر موافق ۷۴ نفر، ممتنع ۴ نفر. بنابراین اعتبارنامه آقای حسینجانی رد شد.

۵- پایان جلسه

رئیس - جلسه ختم می‌شود. جلسه بعد فردا صبح ساعت ده خواهد بود. (جلسه ساعت سیزده و بیست و پنج دقیقه پایان یافت)

رئیس سنی مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران - دکتر پدیده الله سعادی

ناطق نوری - از تریبون سوءاستفاده نکنید.

معاد یخواه - اگر مطالب کسی تحریف شد حق دارد آن تحریف را خارج از نوبت جبران کند.

کیاوش - نوار سخنرانی باید پخش بشود.

یکی از نمایندگان - جلسه علنی جای پخش نوار نیست (همه نمایندگان)
ناطق نوری - تقاضا میکنم نوار را پخش کنید (زنگ رئیس - همه نمایندگان)

اعظم طالقانی - من به شما نوشته‌ام که حاضر در مورد مرگ پدرم صحبت کنم تا موضوع برای همیشه حل شود.

غفاری - این جا محکمه و دادگاه نیست خانم (همه نمایندگان)

رئیس - آقای حسینجانی صحبتتان را بکنید.

حسینجانی - بنام خدا، چون تقریباً سؤالهای مشابهی در مورد ایجاد محیط رعب و ارعاب و این قبیل چیزها هست و من فکر میکنم در جلسه گذشته توضیحات کافی داده باشم، حتی نمونه‌اش را هم گفتم. و گفتم میتوانم از اعضای انجمن نظارت که از هفت نفرشان پنج نفر طرفدار نفر دوم بودند پرسید که آنها شهادت بدهند آیا محیط رعب و ارعاب بوده یا محیط طبیعی بوده و در مورد انتقاد و یا تضعیف دولت مرکزی که بعضی‌ها مطرح کردند. اگر مسأله قبول نداشتن دولت مرکزی و حکومت بود من هیچوقت حاضر نمیشدم با این دولت و حکومت همکاری کنم و توجه برادران و خواهران را مخصوصاً باین نکته جلب میکنم که تا یکسال که از فرمانداری من میگذرد چرا در آن یکسال هیچیک از این موارد مطرح نبوده و همینکه من استعفا میکنم و برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی کاندیدا میشوم این مسائل طرح میشود و بعد اگر من در جهت تضعیف دولت بی برنامه یا بدون برنامه دولت کار کرده‌ام مطرح باشند من این را گفتم اتفاقاً هر سه وزراء کشور که در زمان وزارتشان من در آنجا کار میکردم هر سه نفرشان تشریف دارند. بعد در مورد سخنرانی دانشگاه گیلان رسماً تکذیب میکنم که گفته باشم که مرحوم آیت الله طالقانی به قتل رسیده باشد اگر درباره این مسأله نوار یا هر مدرکی هست آقایان میتوانند ارائه بدهند.

محلای - جمله‌ای را که فرمودید بگوئید.

رئیس - خواهش میکنم آقا بگذارید به نتیجه برسیم.

حسینجانی - روز شهادت آیت الله طالقانی من بعنوان فرماندار در بندر انزلی بودم (یکی از نمایندگان - شهادت؟)

عسکراولادی مسلمان - چرا شهادت میگوئید، بگوئید رحلت.

حسینجانی - اگر شهادت را بعنوان عام بگیرید.

لاهوئی - چرا این کلمه را میگوئید که آنها حساس بشوند، رحلت بگوئید

حسینجانی - بسیار خوب، رحلت میگویم. روز رحلت آیت الله طالقانی

بنده مردم را به گورستان انزلی دعوت کردم و در آنجا سخنرانی‌هایی شد، اتفاقاً فکر میکنم تقریباً همه بازار، همه شهر تعطیل کردند آقایان روحانیون بودند، تمام ادارات بودند، رئیس دادگاه انقلاب که آنوقت آقای صالحی بود و دادستان انقلاب آنجا که فعلاً همینجا هستند، آقای فرض پور نماینده آستارا ایشان هم بودند بعد از صحبت‌ها راه پیمائی شده بود. منتها در نهایت شدت تأسف و حزن، البته من